

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از کان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

## مطبوعات، آزادی، استبداد

مطبوعات برای آن که به آزادی خدمت کنند، با یدنخست خود را از دبا شدن، هنگامی که آزادی سخن می گوئیم، منظور همواره آزادی در چهار چوب قانون است. آزادی، بدون چهار چوب قانونی درخور، نمیی تواند ندکا رویزه خود را انجام دهد و به هر چه و مرج می گراید، همچنان که قانون، بدون آزادی گرایش به سوی استبداد خواهد داشت.

... اما اگر از من بپرسید که انسان آزادی را برای چه می خواهد، من پاسخی ندارم به شما بدهم. زیرا انسان برخی چیزها را فقط به خاطر نفس آن می خواهد. آزادی هوا نیست که انسان نتواند بدون آن زندگی کند، خوراک و پوشاک نیست که در نبود آن آدمی حیات برایش ممکن نباشد. سده های بسیار انسانها در شرایط استبدادی زیسته اند، هنوز هم می زیند و شاید از این پس نیز حکومت های استبدادی گهگاه پدیدار شوند. آزادی موهبتی است که انسان نخست با یدر طلب آن بکوشد تا خود را شایسته آن نشان دهد.

بقیه در صفحه ۲

رژیم را به هلاکت خواهد رساند و مناطق حساسی را که در آن نفوذ دارند منجر خواهد شد. در این اعلامیه ها ۸۴ نفر از جمله هاشمی رفسنجانی، مشکینی، محمدی ری شهری و میرحسین موسوی نام برده شده است. در تهران گفته می شود که نفجا مرکز مهمات سپاه پاسداران در سلطنت آباد، نفجا در میدان ونک و نفجا در دریا دگان با غشاه که خیرا رخ داد، از سوی طرفداران مهدی ها شمی انجام گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۱

حسینعلی مشکان

## بازی عجیب قرن!

اکثریت ما ایرانی ها عیبمان اینست که هنوز دنیای نیمه دوم قرن بیستم را به درستی نشناخته ایم و متوجه نیستیم بعد از دو جنگ بزرگ بین المللی چه قدر دنیایا عوض شده است. حتی سیاستمداران ما هم هنوز با همان معیارهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسائل جهانی را ارزیابی میکنند. در حالی که ما با زیبا عوض شده است و هر روش های با یدی، بقیه در صفحه ۱۲

هوشنگ وزیر نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و مفسر، روز پنجشنبه دوم بهمن ماه در جلسه بی بدعوت هیأت اجرایی موقت نهضت مقاومت ملی ایران، با حضور گروهی از اعضای نهضت درباریس، به بررسی نقش مطبوعات در رژیم های استبدادی و دموکراتیک پرداخت و سپس به پرسش های شرکت کنندگان پاسخ داد. توجه خوانندگان را به متن خلاصه شده این سخنرانی جلب می کنیم.

## نقش اعلامیه های ضد جنگ

### در آسمان تهران

هسته های مقاومت وابسته به نهضت مقاومت ملی ایران - بعنوان ابراز مخالفت با آدامه جنگ - صبح روز پنجشنبه دوم بهمن ماه جاری با کفن بزرگی حاوی ده ها هزار برگ اعلامیه ضد جنگ و ضد رژیم و شعارهای "ایران هرگز نخواهد مرد" همراه با عکس های دکتر شاپوریختیار، در آسمان تهران به حرکت درآمد و در حدود دویست تا سه ستارخان و دریا نوس، آترا با سیستم فرمان از راه دور، منفجر کردند. پس از فروریختن و پخش اعلامیه ها و شعارها و عکس ها، ما موران کمیته محل و کمیته های مناطق مجاور برای جمع آوری آنها و تحقیق در باره چگونگی امر بسوی محله های مورد نظر شتافتند ولی قبل از رسیدن آنان تعداد زیادی از کسانیکه اعلامیه ها و عکس ها بدستشان افتاده بود، از محل دور شده بودند و ما موران تنها موفق به جمع آوری محدودی از اعلامیه ها و عکس ها شدیم.

## شب نامه

بر اساس گزارش های رسیده طرف هفته گذشته ز سوی طرفداران مهدی ها شمی، اعلامیه و شب نامه های در تهران و قم و اصفهان پخش شده است. طرفداران مهدی ها شمی در این اعلامیه ها تهدید کرده اند در صورتی که مهدی ها شمی و همکاران او تا یک ماه از دانشوند عده زیادی از سران

بقیه در صفحه ۱۱

حسینعلی مشکان

## چگون جنگ

و مدام عراق قیما که حتی یک مسلسل ضد هوا بی هم بسوی آنها شلیک نمی شد، عاقبت درها را به روی مردم وحشت زده کشودند. اما کارمندان دولت همچنان زمین گیرا بین شهرستند و خروج از شهر بمنزله ترک خدمت و اخراج آنها تلقی خواهد شد. مردم فقیری چیزی که در هیچ کجا و مکانی ندارند، طبیعتا نتوانسته اند شهر را ترک کنند و همه روزه همدان، هوا بیما ها بی هستند که در ارتفاع بسیار یا بین پرواز می کنند. یک کیمی از کرمانشا هی ها ای واره، نیمه شوخی نیمه جدی می گفت: "حتی می توانیم تشخیص بدهیم که خلبان سبیل دارد یا بی سبیل است."

بقیه در صفحه ۲

## گزارش ایران

در حالیکه جنگ در دو جبهه میانی و جنوب تلغات بیرون از حد و حساب داشته است، هوا بیما های عراقی در روندتازیهی از "جنگ شهرها"، بطور منظم و مرکب از شهرهای ایران را با بمبها و راکت ها می کوبند. اصفهان، کرمانشا، تبریز، دزفول، کجساران، مسجد سلیمان، همدان، خرمآباد و دوما لآخره تمام ج بلادفا بمبها و موشکهای دوازده متری روسی عراقیها هستند. کرمانشا تقریبا از سکنه خالی شده است. هزاران هزار کرمانشا هی که از شهر دوما ر خودا واره شده اند، در شهرهای شمالی در جستجوی جا و سرینا هاند. پاسداران رژیم که تا هفته پیش مردم را از خروج از شهر مانع می شدند و در ابر آنها بسته بودند، در بی حملات بیوقفه

## جنگ بی امان قدرت

قدرت بین گروه های مختلف تا زگی ندارد. اما این نبرد زیرزمینی و مخفی که از سالها پیش ما ننداشتیم زیرا که کمتر پنهان بود، بدنبال افشای مسافرت مک فارلین به ایران از سوی جناح منتظری در آستانه هشتمین سالگرد انقلاب اسلامی به بر خوردهی علنی تبدیل شده است. هدف اصلی همچنان جانشینی خمینی است. اما جنگ با عراق نیز در این میان نقش خود را دارد. مسئله جنگ و مسئله جانشینی خمینی در آینده رژیم ایران اثری تعیین کننده دارند.

ما هنا مه "عربی" سپس در باره ها شمی رفسنجانی می نویسد: معروف است که ها شمی رفسنجانی برای کسب و انحصار قدرت از هیچ کاری روی گردان نیست. قبل از انقلاب اسلامی، رفسنجانی خرابی و فروش زمین و زمین بازی میکرد. زمینهای او در محله سا لاریه قم معروف است. رقیبان رفسنجانی میگویند، و به دین و مذهب چندانی پای بند نیست. به گفته آنان ثروت وی از معاملات زمین بهنگام سقوط رژیم شاه به ۵۰ میلیون تومان میرسید.

بقیه در صفحه ۱۰

## چهره يك

### کنفرانس

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ۴۸ تن از رهبران و وزیران جهان مسلمان روز دوشنبه ۲۶ ژانویه در کنفرانس اسلامی که در کویت برگزار می شود شرکت جسته اند. ایران، این بار نیز، مانند دویست سال گذشته، با شرکت نکردن در این کنفرانس در تحریم آن می کوشد و دلیل این تصمیم را حمایت کویت کشور میزبان و دیگر کشورهای سنی مذهب و طرفدار غرب از عراق اعلام کرده است. در هفته پیش از آغاز کنفرانس، رژیم تهران با دست زدن به یک حمله شدید در جنوب عراق و در ۱۵ کیلومتری کویت

بقیه در صفحه ۱۱

ما هنا مه "عربی"، چاپ پاریس در گزارشی در باره جنگ قدرت بین رفسنجانی و منتظری برای جانشینی خمینی می نویسد: در تهران رویا رویی برای بدست آوردن

## سرزهای تازه

در منطقه خاور نزدیک و میان خط سوط اصلی تغییراتی مهم در چشم انداز قرار گرفته است. این تغییرات بیش از همه حکومت های لیبی، سوریه، جمهوری اسلامی افغانستان را نگران موجودیت خویش ساخته است.

در این میان حکومت های سوریه و افغانستان بیشترین بخت را دارند که جان سالم بدر ببرند، به عبارت درستتر، حافظ اسد و نجیب اله، کوشش و انعطاف بیشتری می نمایند بلکه خود را با تغییراتی که در پیش است، سازگار کنند. سوای این، دودولت نامبرده عملا، یکی بیشتر و دیگری کمتر، در زیر چتر حمایت شوروی قرار دارند. البته سوریه خواهد توانست بدون این چتر، گلیم خود را از آب بیرون بکشد، حال آنکه رژیم افغانستان نمی تواند.

بقیه در صفحه ۴

## جنگ تمام عیار

در صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۱۱

# جنون جنگ

بقیه از صفحه ۱

حق از بمبارانهای دوسال قبل نیز موحش تر و مخرب تر بوده است. خسارت های بمبارانهای دوسال قبل کرمانشاه را بالای یک میلیارد تومان برآورد کرده بودند. در نتیجه میتوان میزبان ویرانیها و تلفات بمبارانهای اخیر را با همین مقیاس سنجید. شهر تقریباً متروکه و مرده است. شهر خاموش است. اما مردم صفاها، شهری که اصفاها را با همه " نصف جهان" بودن آن می نازیدند، با بهت و ناآرامی تا زوری ناظر بر آنی آن هستند. طی حمله های شبانه تعدادی از بناهای تاریخی که دیگر هرگز در دنیا نظیر آنها را نخواهد دید ویران شده یا صدمه دیده اند. عراقی ها که دعا میکنند اصفاها را به تلافی بمباران شهرهایشان می گویند، تقریباً "هر شبه در آسمان شهر در بروا زند. بیشتر بمب ها به بالای زمین و محلات فقیرنشین اصفاها پرت کرده است. هنگامی که یکی از بمب ها در چهار سو ق افتاد چندین باب مغازه و خانه را ویران کرد. از جمله یک جواهر فروشی نیز مورد اصابت قرار گرفت. حزب اللهی ها بی که برای امداد آمده بودند، جواهرات را به غارت بردند و سپس دکان را با بولدوزر درهم کوبیدند و صاف کردند. این امانت داری سبب اعتراض کسبه شهر و اعتصاب منسجم زرگری های اصفاها گردید. طی همین بمباران بود که مردم متوحش شعایرهای ضد رژیم و ضد خمینی و ضد جنگ سرد اندند. شهر اکنون در واقع نیمه تعطیل و بسیار متشنج است. از یک سو وسعت خرابی ها و از سوی دیگر بالا بودن ارقام تلفات و مجروحین که بر رویهم بالای ۲۵۰۰ نفر است، مردم را از شهر فراری داده است. مدارس تعطیل شده و جلوی پمپ بنزین ها صف های طولیل چند کیلومتری بسته شده است. اتوموبیل های که شهر را ترک می کنند تقریباً "هر سه خط شا هسراه خروجی شهر را اشغال کرده اند و حرکت به کندی و لاک پشت و صورت می گیرد.

## بزرگ زخمی ها

در کنار بمباران ها و وحش عمومی ، مسئله اساسی که در حال حاضر رژیم با آن بطور جدی دست به گریبان است ، کمبود پزشک و دارو و تکنیسین و امکانات امدادی است. طی هفته اخیر گفته میشود که نزدیک به ۵۰۰ پزشک به زور تهدید به جبهه ها گسیل شده اند. در همین حال هلال احمر ( شیروخورشید سرخ ) از همه کسانسی که بپنجمی با امداد پزشکی آشنایی دارند تقاضا کرده است که به کمک مجروحین در جبهه ها بشتابند. تعداد مجروحین بقدری بالاست که گاه مجروحین روزها منتظر تویت روی دست می مانند تا به اتاق عمل برده شوند و غالباً "پیش از آنکه نوبتشان برسد می میرند. هم اکنون ۱۵۰۰ مجروح جنگ سوما ر که در بیمارستان ظالقانی کرمانشاه جا داده شده اند، بدون پزشک و امکانات جراحی و امدادی منتظر مرگ نشسته اند. دویست تن از مجروحینی را که به تهران حمل کرده بودند چند تن بیما رستان های شهرهای خالی نداشت ، دوباره با هواپیما به کرمانشاه پس فرستادند و تعدادی از آنها در این فاصله از زمین رفتند. تعداد بالای مجروحین ، رژیم را ناگزیر با خسته کیک و اجد مستقل به نام تخلیه و امداد مجروحین ایجا دکنند که کار آنها حمل مجروح به تهران و یافتن تخت خالی برای آنها و انجام مراقبتهای جزئی پزشکی است. به گفته یکی از افراد این واحد طی هفته های اخیر وسیله ۶۵ فروند هواپیما ی سی ۱۳۰ که هر یک با ۴۰۰ نفر جا دارد، مجروح به تهران حمل شده است. با این حساب می توان گفت که حدود ۲۵۰۰۰ مجروح حاصل دونهای جم شلمچه و سوما ر بوده است. تلفات تنها جم سوما ر بسیار بالا برآورد شده است. یکی از دلایل توقف جنگ در این نقطه نیز بالا بودن میزان تلفات و مجروحین قلمداد شده است. دلیل آن کوتاه می در پیش بینی امکانات امدادی و پزشکی گزارش گردیده است. تا زه پس از آنها جم رژیم به فکر افتاده است که پزشکان را با تهدید و رعبا به بیمارستان های پشت جبهه بکشاند. میزان بالای تلفات و مجروحین در شلمچه نیز عملاً "موجب توقف جنگ شده است. پیروزی و پیشرفت جزئی که در این

# مطبوعات، آزادی، استبداد

بقیه از صفحه ۱

... همان گونه که گفتیم فقط آزادی سیاسی در خورا احترام است که در چهار چوب قانون محدود باشد. اما هر مرجع دیگری جز قانون مدون یا متعارف نخواهد آزادیها را محدود کند، تنها به منظور برپا کردن حکومت استبدادی است. بدستورین محدودیتها آن است که به وسیله حکومتها خودکامها اعمال شود. خودکامها در واقع با آزادی مخالف نیستند، بلکه موافق هم هستند. منتها فقط با آزادی خودشان، نه با آزادی دیگران. رژیم ولایت فقیه که امروز بر ایران حکم می راند، درست چنین است. رهبران رژیم خود را از هر چهار چوب قانونی آزادی می دانند. حال آنکه آزادی گهگاه حتی برای کارگزاران رژیم چون نمایندگان مجلس یا اعضای شورای نگهبان وجود ندارد. هر چند که در قانون اساسی خود رژیم نیز پیشبینی شده باشد.

حکومتها ی خودکامهای که آزادیها را محدود می کنند، انواع گوناگون دارند. سنگینترین آنها حکومتها یی هستند که به نام یک ایدئولوژی - چه دینی و چه شبه دینی - حکومت می کنند. رویکردی که ایدئولوژی به واقعیت دارد، با رویکردی که می توانیم آن را آزادیمنشا نه بخوانیم از حیث ماهوی متفاوت است و با آن تضاد دارد. در رویکرد ایدئولوژیک، انسان قالب نظری از پیش برداخته ای دارد؛ هر واقعیتی که در آن قالب گنجد می پذیرد، اما اگر آن را به گونه ای مثله می کند که در قالب نظری جا بگیرد. حاضر نیست نظریه را به خاطر واقعیت کناری بگذارد و یا تغییر دهد. در عوض در رویکرد آزادیمنشا نه نیز اگر چه از داشتن نظریه ای گریزی نیست، ولی اگر در حین پژوهش واقعیت ها یی پیدا شد که با آن نظریه جور در نیامد، واقعیت کنا رگذاشته نمی شود، نظریه کناری گذاشته با واقعیت سازگار گردد.

نقطه به دست آمده، به بهای جان هزاران نفر آمده است. معلول و مجروح شدن هزاران تن دیگر. این واقعیت، گذشته از آنچه عکس های ماهواره ای نشان می دهد، از سخنان اخیر رهبری و شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران نیز استنباط میشود. اگر چه رفسنجانی گفت که: "در کنار برصه با ید با عراق تسویه حساب کنیم"، اما این نکته را نیز تا "کید کرد که: "سروشست جنگ در همین جا رقم می خورد." بهر حال، همچنانکه پیش بینی کرده بودیم، تنها جم کربلای ۵ چند روزی پس از کربلای ۴ صورت گرفت که بنوبه خود حمله ای نا موفقی بود. عراقی ها که به غلط پیش بینی کرده بودند ایرانی ها نقطه آژموده را دوباره نخواهند آزمود، وقتی از همان نقطه مورد هجوم ایرانی ها قرار گرفتند عملاً غافلگیر شدند. اطلاعاتی که به دست ما رسیده حکایت از آن دارد که فرماندهان ایرانی امیدوار بودند عراقیها این اشتباه را مرتکب شوند که نیروهای ذخیره خود را در حول و حوش فا و به حوالی بصره

دادگاه های مذهبی که او را به خاطر اظهار نظریه "گردش زمین محکم می کرد، از "گناه" خود عذرخواست، گردش زمین را منکر شد، ولی در همان حال با پرزمین کوبید و گفت: با اینهمه تومی چرخ می... استبداد ایدئولوژیک تنها به زندگی عمومی ما کار ندارد، بلکه می کوشد در خصوصی ترین زاویه های زندگی انسانها نیز نفوذ و آن را کنترل کند. آیت الله خمینی در کتاب "کشف الاسرار" گفته است که دین اسلام راجع به خصوصی ترین مسائل زندگی آدمها حرف دارد و در آن مداخله می کند. این، ما دام که دین عامل حکومت نباشد، موجب پیدایش استبداد نمی شود، ولی هنگامی که حکومت را بدست گرفت، پایه های حکومتی استبدادی را می نهد.

... من اکنون در این باره بحث نمی کنم که رژیم کنونی ایران توتالیتر هست یا نیست. به دیده من این رژیم توتالیتر نیست، با اینهمه گرایشهای توتالیتر شدن در آن بروشنی دیده می شود؛ از جمله بدین سبب که کارگزارانی دارد که می کوشند جا معرا از حیث ایدئولوژیک کنترل کنند. این کارگزاران، بسته به مورد، مسئولان دایره های عقیدتی - سیاسی، راهنمایان آموزشی، انجمنهای اسلامی، شمع جمعه و غیره نام دارند، و این سوی سیستم جاسوسی و خبرچینسی است که رژیم می خواهد به وسیله آن حتی خانواده ها را از درون زیر نظر داشته باشد.

طبعاً "مطبوعات از این نظارت نمی تواند بگریزد. تصادفی نبود که نخستین قانونی که پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی در شورای انقلاب به تصویب رسید، قانون مطبوعات بود. و تصادفی نیست که دومین سه بزرگ مطبوعات کشور - مؤسسه کیهان و مؤسسه اطلاعات - زیر نظر مستقیم ولایت فقیه قرار گرفته اند.

... در رژیم های استبدادی آنچه را ما "افکار عمومی" می نامیم نمی تواند شکل بگیرد، زیرا افکار عمومی برای آن که

بیاورند تا در آن حال ایرانی ها بتوانند حمله دیگری را نیز همزمان از فضا آغاز کنند. اما این تفاتی نیستند. در بخش سوما نیز میزما سیه فرماندهان ایرانی به واقعیت نیبوست. عراقی ها نیروهایشان را که در فک متمرکز کرده اند جا بجا نگردند. در نتیجه جنگ در واقع با محاسبات ایرانی ها جور در نیامد. یکی از دلایل توقف جنگ نیز ناشی از همین است. با اینهمه زمزمه های در موردیک تنها جم سوم شنیده میشود، پیش بینی میشود که این حمله احتمالاً از منطقه فکها باشد.

## بیانکد بمباران قم

با آنکه عراقی ها طی روزهای اخیر خیراز بمباران شهر قم میدادند، اما تا زه روزین جشنبه بود که رژیم مقرر آمد و خبر از تلفات و مجروح شدن تعدادی از اهالی شهر داد. علت آن بود که قصد داشت از روز سوگوا ری فاطمه زهرا بهره تبلیغاتی ببرد و در نتیجه خبرهای بمباران قم را تا آن روزگمان میگرد.

موجودیت خود را اثبات کند، به واسطی برای بیان خود دنیا زدا رد که مطبوعات اعما زدیداری یا شنیداری جزو آن هستند. حرف این که اکثریت مردم جا معه چیزی را نخواهند شنید یا نخواهند فهمید، افکار عمومی را بوجود نمی آورد. موجودیت افکار عمومی به این است که در سیاست های دولت تا شیر بگذارد. اما در ایران امروز چند درصد از خواسته های اساسی مردم - مخالفت با جنگ، نیاز آزادی پوشاک، نیاز به آزادی دزدندگی خصوصی و غیره - در سیاست دولت باز می تابد؟ تقریباً هیچ.

حکومتها ی استبدادی همواره مطبوعات آزاد را، که در عین حال وسیله بیان افکار عمومی نیز هستند، مزارح می دانند. حتی در دموکراسیها، حکومتها معمولاً دیدمبشتی نسبت به مطبوعات ندارند. ولی از مطبوعات، چه بسرای مبارزه با دیکتاتوری و چه برای صیانت مبانای دموکراسی، گزیری نیست.

حکومتها ی خودکامها از جمله دلایلی که برای محدودیت مطبوعات با ید سالم باشند و سبب آزادی، این تقریباً "بدان می مانند که بگویند انسان نخست باید گواهی بپیدا شتی که حاکی از ندرستی خود بگیرد و سپس از آزادی بهره مند گردد. ولی همان گونه که انسان آزادی به معنای انسان سالم نیست، مطبوعات آزادی نیز نباید با مطبوعات سالم یکی نگاشته شود.

در ایران فردا فقط مطبوعات آزادی - توانند نقش خود را در نگار هدای دموکراسی ایفا کنند. به هیچ وجه تصادفی نبود که آیت الله خمینی فرمان استبداد خود را با این جمله مازر کرد که: "بشکنید این قلمهای فاسد را!" همه استبدادها نخست با شکستن قلمها شروع می شود. ولی با قلم می توان به جنگ استبداد رفت، با قلم می توان از آزادی دفاع کرد.

# جمهوری اسلامی

## گزارش‌های ایران

از گروه‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

# گزارش محرمانه

## از سیستان و بلوچستان

## روژیم حرف

در حالیکه رژیم بوق و کرنا به دست میباید که بهای نفت در هر بشکه را از طریق سیاست کاهش سهمیه‌های صادراتی کشورهای اوپک به هیجده دلار رسانده، یک کارشناس نفتی که سالها در جزیره خارک خدمت کرده وضعیت استخراج و صدور نفت کشسور را اسفبارتعبیر می کند. به گفته این کارشناس هواپیماهای عراقی نه تنها به طولای خود را تا جزیره سیری رسانده اند، بلکه خارک را نیز تقریباً "روزانه هدف حملات خود را رند تا جلوی زسازی و ترمیم اسکله‌های ویران شده را بگیرند، نفتی که خارک صادر میشود، فقط از یک اسکله و به مقدار اندکی است. کشتی‌های کوچکی از این جزیره نفت را با رگیری میکنند و وسط دریا تحویل کشتی‌های بزرگتر میدهند تا به جزیره سیری حمل کنند که در آنجا کشتی‌های غول پیکر نفتکش منتظرند تا محموله‌های نفت به چنگ آمده را به بازاریهای بین المللی برسانند. گرچه این محموله‌ها برای مردم ایران مفید به چنگ نیامده است. به گفته این کارشناس مقدار صدور نفت ایران چیزی دوحده هفتاد هفتصد هزار بشکه در روز است. همین مقام با یک حساب سرانگشتی میگوید که استخراج و حمل این نفت آن هم در مصالحی چنین دشوار و در مناطق جنگی که همواره خطر حمله‌های هوایی را در پیش دارد، نه تنها سودآور نیست، بلکه گران تر از قیمت تمام شده آن برای مردم ایران آب میخورد. بخصوص اگر هزینه بیمه جنگی را نیز به حساب آوریم و صدمات و غرق شدن کشتی‌ها در اثر حملات هوایی را نیز برآنها بیفزاییم عملاً چیزی برای جمهوری اسلامی باقی نمی ماند. به گفته‌های کارشناس هواپیماهای عراقی تقریباً تمامی تلمبه‌خانه‌های بین راه را بمباران کرده اند، گاز عملاً تولید نمی شود. جاها از کار افتاده اند. هواپیماهای عراقی در دسته‌های ۵ تا ۱۰ کلا "پتروشیمی ما هشتاد که با هزینه ۴ میلیون دلار و به کمک ژاپنی‌ها ۹۵ درصد آن احداث شده بود ویران کرده اند. پتروشیمی خارک که در اولین سال تاسیس خود با داشتن ۱۲ میلیون دلار سرمایه، نزدیک به ۳۰ میلیون دلار سود داشته اکنون حتی قادر نیست حقوق کارمندان را پرداخت کند و شرکای آمریکایی آن به دادگاه‌های ادعای ۲۰۰ میلیون دلار خسارت و زیان برده اند که حساب منجمد شده ایران در یافت خواهد شد.

در چنین موقعیت تیره و تاریکی که برای صنعت نفت پیش آمده است، هیچگونه تبلیغاتی رژیم در مورد نتایج آخربین اجلاس اوپک هم مسخره آمیز و هم تافه است. رژیم می‌خواهد هم از نظر و هم از نظر عملی دیگر تا در به صدور نفت به میزان

سهمیه‌هایی که به عنوان یکی از کشورهای عضو اوپک برای تعیین کرده اند نیست و ناگزیر است نفت ما در امتی خود را که یک سوم مقدار تعیین شده است مرحله به مرحله با رگیری کند و زمین‌های خطر بگذرانند و در منطقه‌هایی نه چندان امن تحویل خریداران خود بدهد، با حرارتی جنون آمیز خواهان کاهش سهمیه‌ها برای افزایش بهای نفت میشود. با آنکه حتی امروزه بهای نفت به هیجده دلار در هر بشکه رسیده، اما چنان هزینه استخراج و حمل نفت برای رژیم بالاست که سود چندان عاید ایران نمی شود. رژیم با اتکاء به اخبار دروغ و رجزخوانی‌های بی پایه کوشید تا تصمیمات آخربین اجلاس اوپک را به حساب خود بگذارد و از این باب برای خود تبلیغات کند. اگر چه همه این تبلیغات برای مصرف داخلی صورت می گیرد و به قصد تحمیق مردم نا آگاه و بی اطلاع است. عمل رژیم و مسئولان تبلیغاتی به آن میماند که شخصی در باره زار خرفروشان بر سرپالان الاغش بیشترین چانه‌ها را بزند، در حالیکه رندان الاغ را زده و بده و با خود برده اند! بودجه سال ۶۶ که چند روز پیش میرحسین موسوی، نخست وزیر، به مجلس شورای اسلامی داد، نماینده وضع رقت بار صدور نفت است. دولت خمینی که دیگر تا در به فروش نفت نیست و در نتیجه عملاً "زانهین در آمد برای هزینه جنگ عاجز است، بار تمام می درآمدهای بودجه سال آتی را بر دوش مالیات دهندگان بیچاره کسسه کمرشان در زبر فشار تورم و گرانی شکسته است گذاشته. در تاسیس مین درآمدهای بودجه ۶۶، سهم نفت به ۳۰ درصد کاهش یافته و در عوض مالیات مستقیم تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. با ید این نکته را متذکر بود که همواره، تا موقعی که دولت میتوانست نفت ما در کند، تقریباً ۸۵ تا ۹۰ درصد درآمدهای دولت را ما در ات نفت تاسیس مین می کرد و وقتی ۵۰ درصد درآمدهای دولت ناگزیر بید از طریق مالیات تاسیس مین شود، معنیش آنست که دولت تمام می سنگینی بار را روی دوش مردم حقوق بگیر، اعمال زکا رگس و کارمند، کسبه، مشاغل جز و غیره خواهد گذاشت. به موازات آن، تمام خدماتی که دولت موظف است به مردم ارائه دهد، خدماتی نظیر آب و برق و تلفن و غیره بطور سراسر آموری افزایش خواهد یافت. در واقع مدت‌هاست که تصمیمات دولت به قصد این دست آن دست کردن و گذران روز و ماه و سال است تا فرجی حاصل شود و اتفاق معجزه آمیز و غیر منتظره رژیم را از این بن بست نجات دهد. مثل روز آسکار است که این واقعه میتواند مرگ خمینی، کشایشی در کار جنگ، یا تحولی غیر منتظره در کل منطقه باشد. مناسبت

بقیه در صفحه ۱۰

برنا ما ز پیش ضبط شده‌ای که تلویزیون زا هدا ن صبح روز نوزدهم دیماه زمولوی نظر محمد دیدگاه، نماینده مردم پرا نشهر در مجلس شورای اسلام، که فعلاً زندانی است، پیش کرده هیچ شفا و تنی با برنامه‌های نوع خودش نداشته. مثل تمام این نوع برنا ماها، سخنان مولوی نظر محمد دیدگاه نیز که ز روحانیون سرشناس اهل سنت استان ستم دیده سیستان و بلوچستان است، مشابه دیگر برنا ماها به زور تهدید و اراغاب و فشارهای روانی و جسمی طاقت فرسا گرفته شده است. این برنامه‌ها که آنها را عادتاً "روزه اعترافات" نامیده‌اند تا به آن این مفهوم را بدهند که گویا با تمایل قلبی خودش فراموش شده، تاکنون به قصد تلقین و تبلیغ شکستنا پذیری و الهی بودن رژیم خمینی بوده است، اما تعداد این اعترافات بقدری افزایش یافته است که هم به اصطلاح ریش در آمده و هم دیگر تا "شیرچندان برتما تا گرش ندارد. اگر چه ممکن است برخی از این "اعترافات" در ابتدا مؤثر بوده باشد، اما کاملاً به دلایل دیگری بوده که ربطی به ادعاهای جمهوری اسلامی ندارد. از جمله این "اعترافات" نمایش‌های تلویزیونی سران حزب توده را با ید نام برد. از آنجا که سردمداران پیروان خود را به داشتن روحیه‌های پیولادین میستوندند و استقامت و یداری آنها را در برابر فشار و شکنجه‌ها عملی قهرمانی جلوه می دادند، چون خودشان نتوانسته بودند در برابر این فشارها مقاومت کنند و روحیه‌شان را با خند، از چشم مردم افتادند و مورد تمسخر و استهزا قرار گرفتند. در نتیجه کسانی نظیر مولوی نظر محمد که در این زمینه‌ها عیبی نداشته اند، تن در دادنشان به "اعترافات" عملی به مقوله "صیانت ذات و یرای رهایی از فشار روانی و جسمی که در رژیم خمینی فی سبیل اله در حق همه مخالفان به کار می رود، تلقی می شود.

تا زه ترین مورد از این نوع، "اعترافات" مولوی نظر محمد است و طبعاً "آخربین آن نیز نخواهد بود. دیگر مدتهاست که مردم پرا ن متوجه شده اند رژیم خمینی می کوشد تا تمامی مسائل و مشکلات را به شیوه بی‌حل کند که خاص خود این رژیم است و در آن کمترین رحم و شفقت و دوراندیشی و بصیرت راه ندارد. این شیوه به کار بردن زور است. حماقت و سماجت در به کار بردن شیوه زور است، آنجا که اعمال رژیم به آن میبندند که بخواد تیرا هنی را ز سوراخ بوزنی بگذرانند. مردم سیستان و بلوچستان که از محرومترین و ستم دیده ترین مردم نقاط کشور ما هستند به این نکته خوب آگاهی دارند. به نظرمی رسد که حتی در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی هم آگاهی به این حقیقت با لاف پیاده شده باشد. اما شیوه‌هایی که یک رژیم به کار میبرد چنان با طبیعت آن هماهنگی دارد که به دشواری میتوان از جمهوری اسلامی توقع رحیم و بصیرت داشت. بهر حال، یک سده بسیار مهم و با اهمیت که در بخش پژوهش نخست وزیر تهیه شده و بطور محرمانه برای مقامات سطح بالای جمهوری اسلامی فرستاده شده است و نسخه‌های آن در اختیار ما است نشان می دهد که حتی بطور پراکنده و سطحی هم که شده باشد، وضع رقت بار استان سیستان و بلوچستان در آن منعکس گردیده. ما در اینجا بخشهایی از اعترافات ما در تاسیس مین در برنا مریزی و بودجه را از این تحقیق استنتاج می کنیم تا به حق بقی که در استان سیستان و بلوچستان حاکم است بی ببرید و دریا بید رژیم چگونه کمک زور قصد داردا توانی ههای خود را بیوتنا ندوبر مسائل و مشکلات سرپوش بگذارد.

سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه اعتراف می کند که: "در صدمای لایسی از دانشجویان دانشگاهی این استان به علت مسایل سیاسی و درگیریهای عقیدتی یا از منطقه رفتند و یا آخراج شدند، گاهی

انسان فکرمی کند که انگار توطئه‌هایی برای آخراج این جوانان دانشجو در کار بوده. البته حق با این سرپرست برنا مریزی و بودجه است. چون نتیجه این توطئه آن بوده که اکنون این استان ستم‌کشیده از نیروهای متخصص بکلی خالی شده است در حالیکه آوندها تمام می‌گناهان را می‌خواهند به گردن رژیم گذشته بیندازند، خودشان مسبب اصلی بدبختی‌های مردم این استان هستند. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه استان سیستان و بلوچستان می‌گوید: "ما در این استان بهداشت درستی نداریم. تعداد دیرشکان خیلی کم است، تعداد درمیش‌ها خیلی زیاد. در همین زمان هدا ن که مرکز استان است وقتی بهام مریزی می‌شود یا در صبحت عصر منتظر بنشینم و تا زه آخرب هم یک پزشک هندی یا بنگلادشی که هیچ چیز سرش نمی‌شود و مرا معاینه میکنند، او در باره وضع اقتصادی استان "اعترافات" تکان دهنده‌ای دارد: "خشکسالی که چند سال پیش آمدلطمه زیاد به منطقه زد، شاید مسایل سیاسی باعث بوجود آمدن خشکسالی شده بود. بهر حال، زابل تا قبل از آن انبار غله کشور را می‌دهد. از آن سال به بعد دیگر زابل کمراست نکرد. از لحاظ محصولات کشاورزی، نظیر گوشت برنده و ماهی لطمه سختی وارد آمد و همه از بین رفت. در آن سال تمام ماها از بیسن رفتند و نوزاد زایش از حد با عت شد که نیروی عظیمی همگی کوچ کردند و از این منطقه رفتند. دولت با نتوانست یا نخواست کمکی در اختیار آفرا دی بگذارد که در زابل مانده بودند. سیلی که دو سه سال پیش به دنبال سرمای منطقه آمد، دوباره لطمه دیگری به منطقه زد و ما حیرت عده دیگری را به دنبال داشت. مثلاً از روستای سدیف که چهار صد یا نصد خانوار جمعیت داشت فقط چند خانواره باقی ماندند. متخصصان سیستان اکثراً از منطقه خارج شدند. من فکرمی کنم تا چند سال دیگر چیزی از زابل باقی نخواهد ماند. منطقه زابل بعلت نزدیکی با افغانستان شده بطورین افغانها، اینها اسلحه می‌کشند و میگویند پس نماینده ما در مجلس اسلامی کجاست؟ افغانها با عت گران منطقه شده اند. بهترین داوی درمانی را که در هیچ داروخانه پیدا نمی‌کنید، میتوانید از افغانها در کنار افغانها بیما ریهایی عجیبی با خود آورده اند که شدت در منطقه را یج شده است. سسل یکی از بیماریهایی است که میگویند از افغانستان آمده. مسئله اعتبار هم یکی دیگر از گرفتاریهای منطقه است که عده‌ای دیگر از نیروهای متخصص را نابود کرده.

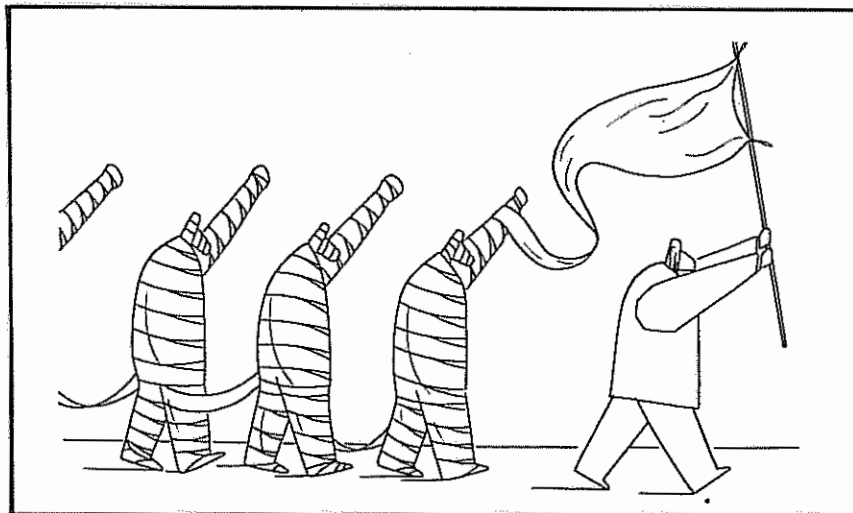
از آنجا که شیعه و سنی در این استان در جواریکدیگر زندگی می‌کنند، یکی از مسائلی که جمهوری اسلامی با تبلیغات مسموم خود در آن دامن زده برانگیختن حس تعصب و دشمنی و نفرت نسبت به هموطنان اهل سنت است. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه می‌گوید: "قبل از انقلاب تداخل گروهی خیلی زیاد بود. بلوچ با فارس ازدواج میکرد. در عین حال که عده‌ای شیعه بودند و عده‌ای سنی، مسایل مذهبی مطرح نمیشد. حتی من دیده بودم که عمرکشان می‌کردند و بلوچ ردمیش، نگاه میکرد و مسلا" اهمیت نمی‌داد. بلوچ در منزل فارس (شیعه) نماز می‌خواند، آن هم به شیوه خودش. در دانشگاهها چه استا دوچه‌ها کرد یک کارهایی را شروع کرده بودند. همه اینها از بعد انقلاب عوض شده." به عقیده سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه که در تحقیق محرمانه نخست وزیر منعکس شده، تنها مزیتی که جمهوری اسلامی برای اهالی این استان داشت این بود که بلوچ‌ها توانستند لباس محلی خودشان را بپوشند. وگرنه به علت با لاف گرفتن آتش تعصب و دشمنی میان بقیه در صفحه ۱۱

سپروس امیدوار

## دامنه گشتار و ویرانی

نام دین پذیرفتن، این نشان می دهد که بذرتبلیغات

سئوالها را با کارگزاران رژیم در میان بگذارند، دست کمی توانند آنها را نزد خود مطرح کنند. می پرسند به فرض که رژیم راست بگوید و دارد به خاطر اسلام به این جنگ ادا می دهد، ولی کدامیک از احکام اسلامی می تواند توجیه کننده این را که سه در راه هدفی آن چنان، تلفات و خساراتی



این چنین بردولت همکیش و همجواری وارد آید؟ کدامیک از احکام اسلامی به آفتاب می خیمنی اجازت داده است که برای تغییر حکومت در کشوری دیگر، از نوجوانان گرفته تا جوانان و سالخوردهگان را هزارها ربه کشتار و رگه جنگی بفرستد که در راه

خیمینی بر زمین مساعدی که جزا طاعت کورکورانه از متولیان راست یار دروغ دین نمی تواند باشد، افشا نده نمی شود. مردم سالهاست که در باره انگیزه های ادا می کنند، آنها سئوال های بسیار این باب دارند، اگر نمی توانند این

جنگ اول جهانی چه سال طول کشید، و پس از آن که پایان یافت، منظره سیاسی - جغرافیائی جهان، بیویزه اروپا و خاور میانه، دیگر آن نبود که در آغاز جنگ بود، بسیار دیگرگون شده بود: دو امپراتوری بزرگ، امپراتوری اتریش-مجارستان و امپراتوری عثمانی، تجزیه شدند. هسته های مرکزی آن دو امپراتوری، امروز دیگر در شمار کشورهای نیرومند و طراز اول جهان نیستند، سرزمین های کوچکی هستند. همانند کشورهای دیگری که جزایر رنگارنگ آن امپراتوریها را تشکیل می دادند و پس از پایان جنگ اول جهانی به استقلال رسیدند.

جنگ دوم جهانی شش سال طول کشید، بر اثر این جنگ نیز منظره جهان تغییرهای بزرگ یافت: اروپا که پیش از آن قدرت بزرگ جهان بود، سرانجام ناگزیر شد در مقایسه آمریکا و شوروی، برپله پائینتری قرار گیرد. پس از این جنگ، قدرت از اروپا به این سوی و آن سوی اقیانوس اطلس نقل مکان کرد. نیز پس از این جنگ جهانی بود که قیام همدار مستعمره ها آغاز شد و کشورهای استعمار زده، یکی پس از دیگری، به استقلال دست یافتند.

و اینک بنگریم جنگ جمهوری اسلامی و عراق را که هم از جنگ اول جهانی بیشتر طول کشیده است و هم از جنگ دوم. در این جنگ، اگر چیزی قابل مقایسه با دو جنگ جهانی پیدا شود، همانا دامنه گشتار و ویرانی آن است. و گر نه این جنگ تاکنون هیچ تغییری در منظره جغرافیائی - سیاسی نداده است و اگر بیست سال دیگر هم طول بکشد، نخواهد داد، مگر اینکه قدرت های که به تجزیه ایران در کمین نشسته اند، فرصتی پیدا کنند و از این با زار آشفته سود بگیرند.

اما تبلیغات رژیم اسلامی بر آن است که جزا این القا کند، می خواهد چنین نشان دهد که این جنگ از غزوه های پیامبر و سپس لشکر کشی های که موجب گسترش حیرت انگیز قلمرو نفوذ اسلام شد، اگر مهمترین شددست کم با آنها برابر است. تبلیغات رژیم تهران هیچ باکی از این ندارد که خیمینی را با پیامبران بزرگی مقایسه کند که به شمشیر با کلام و دعوت، دین خود را به اکناف جهان گسترده، بر دیوارهای شهرها و روستاهای ایران، نام روح الله خیمینی، به دنیا ل ابراهیم و موسی و عیسی و محمد آورده شده است. و ننوشته اند: روح الله خیمینی، بلکه نوشته اند: خیمینی روح الله تا "ابراهیم خلیل الله" و "موسی کلیم الله" و "محمد رسول الله" را بیا آورد.

و از زبان مهدی بازرگان، که در دینداری او تردیدی نیست، بشنویم که مردم ایران در این باره چه می گویند. می گویند دین را رها کردن بهتر تا چنین حکومتی را به

## مرزهای تازه

می خواسته است نشان دهد که قلمرو امنیت ملی آن تا کجا گسترش می یابد. از سوی دیگر اروپای غربی و ژاپن نیز به عنوان مصرف کننده اصلی نفت خلیج فارس نمی توانند به آنچه در ایران امروز می گذرد، بی اعتنا باشند. توازن استراتژیک تمام منطقه، چه در اثر پیروزی نظام جمهوری اسلامی و چه در اثر خطری که تمامیت ایران را تهدید کند، در هر دو حال بهم خواهد خورد. و این رانه اروپای غربی می خواهد هونه ژاپن. هر محاسباتی در باره توازن استراتژیک در منطقه، اگر عامل شوروی از آن کنار گذاشته شود، محاسبه نادرستی خواهد بود. شوروی اگر چه با اشغال نظامی افغانستان لطمه بزرگی به باور پذیر می سیاست تنش زده می خورد زده است، ولی با دمیدن عمرگوربا چف و ادا می آید. دوران مرحله تازه ای خواهد شد که با دوران برژنف تفاوت های عمده ای خواهد داشت.

در زمان برژنف، ایران حق داشت از همسایگی با شوروی احساس نا را حتی نیز بکند، ولی گوربا چف عجلتا "با مسائل مهمترین دست به گریبان است. اگر شوروی بتواند در افغانستان به پیدایش حکومتی استوار بر ترفاه ملی کمک واقعی کند، ایران دیگر هیچ دلیلی برای نگرانی از این باب نخواهد داشت که شوروی نیرومند، همسایه اوست. یک ایران نا وابسته و مستقل بسیار آسان خواهد توانست به سیاست همزیستی مالمت. آمیز با شوروی ادا می دهد.

شوروی به نوبه خود نمی تواند این را

حدا کثر ظرفیت کا رمی کند؟ یک میلیون نفر در این جنگ کشته شده اند این رقمی است که حتی گفتنش هم آسان نیست، اگر واقعاً حکومتی جز رژیم خیمینی مسئول این خونریزی هولناکی با شده مسلمان را در برابر مسلمان قرار داده است، پس چرا پیش از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی تهران، در منطقه ویرانی و کشتاری روی نداد که ده است که بسا جنگ

کنونی قابل مقایسه باشد؟ آخر از کجا و از کی ایران را برای تغییر حکومت در عراق چنین عطشان شده اند که برای دستیابی به این منظور صدها هزار کشته بدهند، به همین اندازه معلول و آواره داشته باشند و اقاصم د کشور را به خاک سیاه نشسته ببینند؟

پس از شش سال واندی جنگ، شیخ علی کبر رفسنجانی تا ز به بیادش افتاده است که با یدما شین جنگی عراق را نا بود کند. این ماشین جنگی اگر نا بود شدنی بود که تا کنون شده بود، آیا بهتر نیست که هاشمی رفسنجانی، برای یک بار هم که شده، سخن راست با مردم بگوید؟ هدف این جنگ نا بود کردن ماشین جنگی عراق نمی تواند باشد. هدف نا بودی نیروی انسانی، نا بودی اساس جامعه مدنی، نا بودی اقتصاد ملی است. و این هدف هم اکنون بدست آمده است.

برای مدتی طولانی تحمل کننده مرزهای جنوبی خویش را نا آرا میا بد. آشفته گی و بهم ریختگی در خانه همسایه، هر قدر هم که کوچک باشد (حال آنکه ایران از هیچ لحاظ همسایه کوچکی نیست) به هر حال همسایه بزرگ را نا راحت خواهد کرد. همه نشانه ها حکایت از آن دارد که شوروی نیز در ایران با ثبات و نا وابسته دیده مثبت و به چشم تا شید می نگرد.

با در نظر گرفتن مجموعه این احوال، می توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی پیش از همه دولت های دیگر از تغییراتی که در پیش است احساس خطری کند. این احساس خطرات البته فقط از آنرو نیست که موقعیت بین المللی رژیم خیمینی از ضعف و نزوای شدید رنجور است، بلکه بیشتر بدان سبب است که زمینه اجتماع رژیم در داخل مداست ترمی گردد. ما در باره با یگا ههای اجتماعی از دست رفته رژیم با رها سخن گفته ایم. برآستی امروز دشوار است برای رژیم تهران با یگا ه اجتماعی جدی بی یافتن رژیم به سر نیزه پا سدا رانش و به نهاد های سرکوبگرش متکی است. حتی آیت الله خیمینی و اطرافیانش نمی توانند بر این مدتی طولانی روی سر نیزه بنشینند. دور و برچنان خالی شده است که ضربه دست سرکوبگران، هرگاه که بلند می شود، جز به نزدیکان خودش اما بت نمی کند: مهدی هاشمی و سید احمد کاشانی شناخته شده ترین این نزدیکانند. حکومت اسلامی خود نیز به جان خویش افتاده است. این سرنوشت همه رژیمها می است که با یگا ههای اجتماعی خود را، یکی پس از دیگری، از دست می دهند.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

بمباران شهرها

نماینده خبرگزاری فرانسه در تهران، در گزارشی راجع به جنگ می نویسد: به نظر می رسد تنش جنگ که در روزهای ۱۹ و ۱۵ ژانویه به وسیله جمهوری اسلامی در جبهه های جنوبی و مرکزی شعله ور شد فروکش کرده است زیرا روز ۱۹ ژانویه رسانه های جمهوری اسلامی اطلاعات بسیار کمی راجع به عملیات کربلا منتشر کردند. تنها بیا نیبه نظامی روز دوشنبه ۱۹ ژانویه مربوط به عملیات کربلا ۵ است که ۱۲ روز پیش به طرف بصره آغاز شد. در این بین بیا نیبه بدون ذکر آمار و ارقام متنهایی از پیشرفت اندکی به سوی بصره سخن رفته است. بر اساس این بیا نیبه، نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه "جاسم" مرحله سوم عملیات کربلا ۵ را آغاز کرده اند. در این حال عراق میگوید فضا را خود را بر نیروهای جمهوری اسلامی در نوازی به مساحت ۱۰ کیلومتر مربع افزایش داده است.

کرده که عصر دیروز کرمانشاه، اسلام آباد و یک انبار مهمات در سقز را بمباران کرده است. از سوی دیگر حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر روز ۱۹ ژانویه اظهار داشت که مصر هواپیما یا سایر سلاحهای تهاجمی در اختیار عراق قرار نداده است. وی گفت: عراق از ما سلاح نخواسته و به آن احتیاج هم ندارد. حسنی مبارک افزود: حتی یک سرباز ارتش مصر در عراق یا جای دیگری جنگد.

تهران - خبرگزاری فرانسه ۲۰ ژانویه

سیاست های آمریکا

آمریکا تمام امکانات خود را برای تعقیب آنچه در مرزهای ایران و عراق می گذرد بکار نهد اخته است. در واقع تلفات عظیم انسانی در عملیات کربلاهای شماره گذاری شده به وسیله ما هوا رها های بسیار دقیق آمریکا فاش گردید. لوما تن می نویسد: به نظر نمی رسد که دولت ریگان به طور رسمی از وضع نظامی در اطراف شهر بصره نگرانی خاصی داشته باشد. علیرغم اعلامیه های مکرر نظامی جمهوری اسلامی که حاکی از شدت یافتن نبردها و پیشروی به سوی بصره است، وزارت امور خارجه آمریکا منابع نظامی آن کشور را مشغول عیبی از خود نشان می دهند.

در حالی که هفته گذشته شدت نبرد و تعداد تلفات عظیم انسانی حاکی از گسترش یافتن دامنه جنگ در نزدیکی بصره بود، کارشناسان آمریکا نمی توانند اطمینان می دادند که هیچ دلیلی دایره بر این که جمهوری اسلامی قصد دارد حمله سرنوشت ساز موعود خود را آغاز کند وجود ندارد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا تنها به فرستادن پیامی تشریفاتی و عملی بدون فا ایده کتفا کرده و جمهوری اسلامی خواست همانند عراق با آتش بس و آغاز مذاکرات موافقت کند. دولت ریگان همچنین در برابر گزارشی مطبوعات اروپا مبنی بر این که آمریکا قصد دارد رها و گان خود را برای جلوگیری از زیروزی احتمالی جمهوری اسلامی به خلیج فارس بفرستد عکس العملی نشان نداد.

بر اساس اطلاعات ما هوا رها های آمریکا، تلفات نیروهای عراق تا آخر هفته گذشته به ده هزار تن رسید. بر اساس همین گزارش ها تعداد کشته های جمهوری اسلامی به ۲۰ هزار نفر رسید.

لوما تن می افزاید: از سوی دیگر، عراق از سیاست آمریکا در بر تحویل سلاح به جمهوری اسلامی که بدون تردید به حملات اخیر رژیم تهران، کمک فراوان کرده است دلگیری است. طبعی یا سبب رمضان معاون نخست وزیر عراق اخیراً از عدم پای بندی آمریکا به اخلاق شکانیت گردو گفت شکست عراق در شبه جزیره فا و ناشی از اطلاعات غلطی بود که آمریکا در اختیار عراق گذاشت. به گفته مقامات بلندیای عراق، آمریکا از طریق مذاکرات مخفیانه با جمهوری اسلامی دوهدف را دنبال میکند: از یکسو قصد دارد جنگ ادا میا بدت کشورهای نفت خیز منطقه ویژه عربستان سعودی را با ترساندن از خطر حمله جمهوری اسلامی و ادا رسا زد پای ها های نظامی در

خلیج فارس در اختیار آمریکا قرار دهند و از سوی دیگر با ادا میا فتن جنگ نفوذ خود را در جمهوری اسلامی برقرار کند. لوما تن می افزاید: مسئولان

عراق در همین حال فاش کردند که ما جرای فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی و نقشی که اسرائیل در این میان برعهده گرفت، به نفع عراق تمام شد زیرا باعث گردید موقعیت عراق در جهان اسلام و عرب بطور قابل ملاحظه ای تقویت شود.

لوما تن - ۲۱ ژانویه ۸۷

نبردهای دریاچه ماهی

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، دولت آمریکا روز ۲۱ ژانویه اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی در جبهه جنوبی پیشرفت های بسیار کوچکی بدست آورده اند، ولی خطر سقوط شهر بصره وجود ندارد.

خانم "فیلین اوکلی" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا روز ۲۱ ژانویه اظهار داشت: نیروهای جمهوری اسلامی در روز سه شنبه ۲۰ ژانویه سعی کردند از سرپل خود در دریاچه ماهی خارج شوند، ولی نیروهای عراقی جلوی این حمله را سد کردند. با وجود این چندواحد از نیروهای بیا نیبه جمهوری اسلامی در جنوب این منطقه اندکی بسوی غرب پیش رفتند. ولی هنوز نیروهای جمهوری اسلامی به خطوط پیشرفته عراقی نرسیده اند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نگرانی ایالات متحده را از ادا میا بین جنگ و تلفات عظیم انسانی ناشی از آن اعلام کرد و افزود: این جنگ خطری واقعی برای ثبات تمام منطقه است.

خبرگزاری فرانسه می افزاید: از سوی دیگر مفسران آمریکایی معتقدند که نیروهای جمهوری اسلامی طرف رها های آینه زنی خود را هتدا فتاد. این پوزن کارشناسان تا ا کید می کنند که جمهوری اسلامی به ندرت توانسته است هجوم های بزرگ خود را بیش از ۲۵ روز ادا مدهد، زیرا با مشکلات بزرگ لجستیک و پشتیبانی روبرو میشود. کارشناسان نظامی آمریکا با توجه به سلاحها و استحکاماتی که عراق در اختیار دارد تلفات جمهوری اسلامی را سه برابر تلفات عراق برآورد می کنند. به عقیده کارشناسان جمهوری اسلامی پیش از این برای تاءمین اسلحه و مهمات برای نیروهای خود که در شمال فاومی جنگند با مشکل روبرو خواهد شد.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه ۲۲ ژانویه

تهدید کنفرانس اسلامی

یک سازمان تروریستی نوظهور به نام "کمیته دفاع از زندانین سیاسی عرب در کویت" روز ۲۰ ژانویه در پیامی تهدید کرد چنانچه کویت ۱۷ تروریست عضو حزب الدعوة را که در آن کشور زندانی هستند رها نکند، شرکت کنندگان در کنفرانس اسلامی کویت را از بین خواهد برد.

شخص ناشناسی که خود را سخنگوی سازمان مذکور میخواند در یک مکالمه تلفنی با دفتر خبرگزاری فرانسه در پیامی گفت: "اولین هشدار ما انفجار در کویت است قبل از برگزاری کنفرانس خواهد بود." قرار است کنفرانس سران اسلامی روز ۲۶ ژانویه در کویت آغاز زبکا کنند.

تا بحال سه سازمان تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی یعنی سازمان جهاد اسلامی، "جنبش اسلامی انقلابی" و "سازمان عدالت انقلابی" به مناسبت برگزاری کنفرانس اسلامی کویت را تهدید به عملیات تروریستی کرده اند. به گفته مقامات کویتی دوشنبه ۱۹ ژانویه حوادث کوچکی در پیستارهای تاءسیات نفتی کویت رخ داده است. ناظران خاطر نشان می کنند که جمهوری اسلامی با تمام امکانات خود سعی دارد از برگزاری کنفرانس اسلامی در کویت جلوگیری کند و عملیات کربلا ۴ تا ۶ نیز که به مرگ حداقل ۲۰ هزار تن از نیروهای جمهوری اسلامی منجر شد، در همین رابطه صورت گرفت. به گفته همین ناظران تشکیل کنفرانس اسلامی در کویت یک شکست بزرگ دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی بشمار میرود. در این حال کویت از لبنان خواست به

دلایل امنیتی پروازهای بین بیروت و کویت را از ۲۰ ژانویه تا اول فوریه قطع کند.

۱۷ تروریستی که "کمیته دفاع از زندانین سیاسی عرب در کویت" خواستار آزادی آنها شده است همان گروهی هستند که با رها سازمان جهاد اسلامی نیز در مقابل آزادی دوگروگان فرانسوی خواستار آزادی آنها شده است. این عده عبارتند از ۱۲ عراقی، سه لبنانی، یک کویتی، یک عرب بدون تابعیت که عضو حزب الدعوة وابسته به جمهوری اسلامی هستند و در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ بیدک سلسله عملیات انفجاری در کویت دست زدند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

خودداری

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه از پذیرفتن علی آهنی، فرستاده جمهوری اسلامی خودداری کرد. علی آهنی مدیرکل آمریکا و روسای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که در رأس هیئتی به منظور اعزامی از سوی جمهوری اسلامی و فرانسه روز ۱۹ ژانویه وارد باریس شد دوشنبه ۱۹ ژانویه به مدت دوماهت با ژان برنارمون، وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. در همان حال منابع مطلع درباری اعلام کردند چنانچه مذاکرات بخوبی پیش رود ژاک شیراک روز سه شنبه ۲۰ ژانویه آهنی را بحضور خواهد پذیرفت. اما نخست وزیر فرانسه دیدار او را نپذیرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی خودداری کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از آنجا که علی آهنی حامل پیامی از سوی میرحسین موسوی برای نخست وزیر فرانسه است.

آهنی روز ۲۰ ژانویه با یکی از اعضای دفتر شیراک دیدار کرد. به نوشته خبرگزاری فرانسه، به نظر نمی رسد که مذاکرات علی آهنی با "ژان برنارمون" که به طور عمده اختصاص به آزادی گروگان های فرانسوی در لبنان داشت، تحول چشمگیری رخ داده باشد. از همین رو ژاک شیراک از پذیرفتن وی خودداری کرد. دیدارهای علی آهنی سه شنبه ۲۰ ژانویه در سطح ملاقات با رئیس دفتر وزیر امور خارجه تنزل یافت. وی قرار است روز چهارشنبه ۲۱ ژانویه با ریس را ترک کند. سفارت جمهوری اسلامی درباری صبح روز ۲۰ ژانویه اعلام کرد که علی آهنی بعد از ظهر امروز یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد ولی چند ساعت بعد از تائید این مطلب خودداری کرد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

پیام صلح

به گزارش خبرگزاری فرانسه، صداحسین رئیس جمهوری عراق در پیامی خطاب به مردم ایران، خواستار ختم جنگ ایران و عراق و برقراری صلح کامل میان دو کشور شد.

وی در پیام خود خطاب به ملت ایران گفت که عراق هرگونه حمله جدیدی را با شکست روبرو خواهد ساخت و بدون عقد قرارداد صلح، مرگ و آبرویی در انتظار متجاوزان خواهد بود.

صداحسین در پیام مراددیویی خود تائید کرد که عراق فقط در حال دفاع از سرزمین و اماکن مقدس خویش است و قصد اشغال ایران یا اماکن مقدس آنرا در سر ندارد. وی یکبار دیگر برینج شرط اصلی کامل میان دو کشور را برشمرد که عبارتند از: عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط به مرزهای بین المللی، مبادله کلیه اسیران جنگی، امضای قرارداد صلح و عدم ازدو کشور، و تعهد دو کشور برای حفظ ثبات و امنیت منطقه بخصوص در خلیج فارس.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، پیام صداحسین درباری سخن گفتی بود که اخیراً "خمینی" طی آن از مردم ایران خواسته بود به یاری برادران خود در مرکز و جنوب جبهه

خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

مثنوی و کلیله

تأثیر روش و داستان‌های کلیله و دمنه در مثنوی مولانا

اهمیت و اعتبار کلیله

کلیله و دمنه از کتاب‌های بسیار معتبر و درجه اول جهان است. در این سه هزار سالگی که از زلف اصل آن می‌گذرد، هرگز آدمیان آن را از دست فرونگذاشته‌اند. این کتاب در طی زندگی دیربایی، بلکه جایز ویدان خویش چه در دنیای قدیم و چه در عصر جدید طرف علاقه ملل گوناگون بوده است. در روزگار باستان با دنا هی مقتدر چو نانو شیروان بزرگترین پزشک روزگار خود را با اعتباری نامحدود، به صورت ناشناس به هندی فرستاد تا با برداختن سیم و زر بسیار، به هر طریق که صلاح می‌دانند این گنجینه گران بها را که زندگی بخش مردگان جهل و نادانی است به ایران بیاورد و این حادثه چندان مهم بوده است که در تمام کتاب‌های تاریخ فصلی مستقل به آن پرداخته و آن را به بزرگ ادبی اختصای یافته است. در قرون جدید، پس از رنسانس نیز کلیله و دمنه از طریق یکی از تخریرهای فارسی جدید ترخویش موسوم به انوارسپیلی به زبان فرانسوی ترجمه شد و آلفونسو افسانه‌سرای ما با نام فرانسیس در افسانه (قابل) های خویش آن بهره‌گاری کرد و سپس شهرت "افسانه‌های بیدایی" - عنوانی که این کتاب در زیر آن به اروپا ثیا ن معرفی گردید، عالمگیر شد، تا جایی که منتقدان نوشته‌اند: "ادب تطبیقی در فرهنگ اروپایی بر اثر ترجمه دو کتاب پدید آمد: کلیله و دمنه و هزارویک شب".

باب بوف وزاغ

یکی از باب‌های معروف کلیله و دمنه که اصل هندی دارد باب بوف وزاغ ( = جغد و کلاغ ) است. نظرو هسدف نویسنده در این باب آن است که "به دشمن فریفته نشاید گشت، اگر چه کمال ملاحظت و تززع، و فرط محاکات و تواضع در میان آرد، و ظاهرا هر چه آراسته‌تر - به خلاف باطن - بنماید. در حقیقت یکی از روش‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی همین است که تزیینی به هندی که طرف مقابل بدیشان اعتماد کند، و سخن آنان را حقیقت بنماید، آن گناه هر چه خواستند و توانستند یا اخواهند کرد. ما جب کلیله در این باب، داستان گروهی انبوه از زغان را می‌آورد که بردختی بسیار بزرگ خانه‌ها شدند و آن را با دنا هی بود که همه از او فرما می‌بردند. شی بومان بزواغان شیخون آوردند و گروهی کثیر از ایشان را بکشتند و مظلومین را زکشتند. روز دیگر با دنا زغان را گرد آورد و گفت: از بومان شکستی سخت خوردیم، و این امر موجب می‌شود که با رویگر، و با رهای دیگر با زغان بشوند و همین بلار با سر ما بیاورند. شما چه نظر دارید؟

در میان زغان پنج زاغ بودند که به خردمندی و حسن تدبیر شهرت داشتند. شاه نظر هر یک را پرسید: یکی گفت، بهترین است که همه از این جای برویم، دیگری گفت بهتر است جنگ کنیم، یا پیروزی شویم و یا اگر شکست خوردیم باری به ترس و بی‌حمیتی منسوب نمی‌شویم. سومی گفت: بهتر است با ایشان مذاکره کنیم و خراجی از ایشان بپذیریم، چهارمین گفت به نظر من رفتن از این جایگاه بهتر از تحمل سنگر برداختن خراج به دشمن است، وقتی با دنا شاه از وزیر پنجم نظرمی خواهد می‌گوید: من با جنگ با ایشان مخالفم، چون بر ما پیروز خواهند شد، به مذاکره و پذیرفتن خراج نیز رضی نیستم چه آن ننگی است که همواره بر ما خواهد آمد، اما آنچه را که بپذیرد، در خلوت به شاه نخواهیم گفت.

شاه خلوتی می‌سازد و در آن جای از مذاکرات بسیار و نقل داستان‌های گوناگون سرانجام می‌گیرد: با دنا به حیلت و مکر قدم در این کار بگذاردیم. ملک آشکارا بفرماید تا ما بزنند و به خون بیالیند و در زیر درخت بیفکنند، و ملک با تمام لشکر بیرون رود و به فلان موضع مقرر می‌آید و منتظر آمدن من باشد تا من از مکر و حیلت خویش فارغ شوم و بیایم و شاه را با گاهانم.

ملک چنین کرد، زاغ را مجروح و خونین و پیرشکسته در زیر درخت بیفکند و زغان را همگی برفتند، چون بومان بیاد منند زغان را بنیافتند، فقط زاغی زخمین را دیدند که فتابه بود و بر خود می‌پیچید و ناله می‌کرد. شاه و بومان با بومی چند به سوی او رفت و دانست که وی وزیر است و او را بدین روزنا نداشتند. وقتی حال را از او پرسید، گفت شاه بر من بدگمان شده و مرا بدین حال روزنا نداشت. پرسید: به چه سبب؟ گفت: چون شما آن شیخون بکردید ملک ما را خواند و فرمود که شارتی کنید... من که از نزدیکی او نبودم گفتم: ما را با بوم طاق مقامت و مست نیا شد... رای این است که رسول فرستیم و صلح خواهیم... زغان در خشم شده مرا متهم کردند که توبه جانم بوم میل می‌داری... ملک مرا عذایی فرمود... و... دیدم که جنگ را می‌سازند.

شاه بومان از وزیران خویش در باره کارزاغ پرسید. همه گفته‌های وی را تصدیق کردند و لای یک تن گفتند: زاینهارتا ملک به سخن او و الفتفات نکند و افسون او را در گوش جای نهد که بردوستان ناآزموده اعما دگسردن حرام است.

با وجود گفت و شنید بسیار، بومان نصیحت وزیر روشن بین خویش را نمی‌پذیرد و به افسون زاغ فریفته می‌شود: ملک بومان، چنانچه رسم بی دولتان است، بین نما یح نشنود و زاغ هر روز... به نوعی در محرمیت خویش می‌افزود تا بر... اسرار ایشان و قوف یافت... آن گاه بسه نزدیک زغان رفت و... ملک را گفت: "تما می‌بومان در فلان کوه اندروزها در غاری گرد می‌آیند و در آن نزدیکی همزی بسیار است. ملک زغان را بفرماید تا قدری از آن را بر در غار بنهند و شبانان در آن حوالی آتش دارند، من فروغی از آن بیارم و وزیر هیزم بنهم... ملک فرمان دهد تا زغان به حرکت پیر آن آتش را بگیرانند، چون آتش بگیرد هر که از بومان بیرون آید بسوزد و هر که در غار بماند زود بمیرد. نتیجه داستان روشن است.

پیروزی چشم گیر زغان بر بومان بر اثر تدبیر وزیر خردمند.

تقلید از داستان

این داستان از دوران‌های بسیار قدیم مورد تقلید داستان سریان، وحی مؤرخان، قرار گرفته است. به صحنه‌ای از این قبیل، در سفر محمود به هندوستان برای فتح سومنات بر می‌خوریم. استادش دروان نصرا لکسه فلسفی در گفتار پیرا رزش خود زیر عنوان "فتح سومنات" نوشته است: "در راه کوچ به سند، دوهندوا از طریق نیرنگ راه‌نمای سلطان شدند، او را با سیا به سیا بانی بی آب و گیا ه بردند. ولی سلطان تزویرا یشتان را در یافت و آن هردو را سیاست کرد، و پس از چند روز سگردانی عاقبت سیا هیان را از تشنگی و هلاکت نجات داد و به سلامت به جلگه سفلی سندرسانید."

این ماجرا، که دوهندو، با گذشتن از جان خود پیش محمود آید و او را به سیا بانی بی آب و علف رهبری کنند، با آن که می‌دانستند ممکن است محمود آنان را بکشد، در سفر فخری نیز انعکاس یافته است. در شاهنامه، در بیان ماجرای اسفندیار، در بیان حکایت، و این نیرنگ را که در حقیقت از حیل‌های داستان برداری است، در خان هفتم اسفندیار می‌یابیم، که راه‌نمای اسفندیار، با وجود داشتن خطری که ممکن است باره‌نمایی نا درست او را تهدید کند، وی را به بی راه‌های افکند و سر خود را به باد می‌دهد.

در داستان ابومسلم نیز چنین صحنه‌ای وجود دارد. اما داستان‌ها گوناگون مورد نظر ما است، قصه‌ای است از دفتر اول مثنوی شریف مولانا زیر عنوان: داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت از تعصب... پیش از وارد شدن در اصل داستان با یادگفت کسه روش داستان سربانی در مثنوی شریف نیز همان روش کلیله و دمنه یعنی آوردن داستانی در درون داستان دیگر است و مولانا این روش را برای اثربزرگ عرفانی و تربیتی خویش بهتر از روش‌های دیگر دانسته است. دیگر این که تا کنون هیچ یک از شاعران مثنوی - آغا ز قدیم جدید - به همان‌ندگی این دودا ستان وحی ساخته شدن بعضی روایت‌های "تاریخی" بر اساس این داستان کلیله توجه نداشته‌اند. استاد دققید بدیع الزمان فروزا نفرین‌زدر "مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی" آن را گرفته شده از حکایتی می‌داند که در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده و در آن مردی یهودی، بولس (= پولس، پل) نام پس از جنگ با مسیحیان به‌عنوان توبه می‌کند و مسیحی می‌شود و پس از تعلیمات مسیح برای خود خطیهای تعیین می‌کند و خود را می‌کشد، این بولس همان است که مسیح را موجودی فوق انسانی پنداشته و از اتحاد مریم و عیسی با خدا سخن گفته و عیسی را پسر خدا شمرده و مذهب تشریح را با یه‌گذا ری کرده است. داستان این شخص به صورت‌های دیگر در مآخذی مانند قصص الانبیاء نیز آمده است ولی در هر حال بولس یا "سن پل" در شمار پایه‌گذاران مسیحیت است و در سال ۶۴ یا ۶۷ میلادی به دست سوران امپراتور خون ریز روم کشته شد و خودکشی او درست نیست.

داستان شاه یهودی

اما داستان شاه نصرانی کش و وزیر حیل‌گرویی ساخته قریحه فطاض مولانا است و آنچه تا کنون گفتیم فقط می‌توانسته است الهام بخش وی در طرح ساختمان کلی قصبه باشد. شرح جزئیات و متوقف ساختن داستان در هر نقطه و بیان حقایق و معارف همه‌ز مولانا و خاص این سخن سرائی بی نظیر است. اینک داستان:

دشمن عیسی و نصرانی گداز عهد عیسی بود و توبت آن او جان موسی او موسی جان او... چون غرض آمد هنر یوشیده شد صدحجاب اذل به سوی دیده شد چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار

شاه از حقد جهودانه چنان گشت آخول (سلیح، چپ) کالامان یارب، امان صد هزاران مؤمن مظلوم کشت که: "بنا هم دین موسی را و پشت این پادشاه را وزیری است سخت قریب کار حویل‌گر. شاه را گفت: کشتن ترسایان را فایده‌ای نیست، چه ایشان دین خود را اینچنان می‌کنند و در ظلم خود را پیرو موسی فراموش نمایند. شاه گفت پس چه تدبیری توان کرد که در جهان هیچ نصرانی، خواه آشکارا خواه پنهان، باقی نماند. وزیر



میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم تهران روزی در مصاحبه ای با روزنامه "جمهوری اسلامی" گفت: "یکی از راههای موفقیت ما این است که اطلاعات و اخبار به وفور در اختیار ملت و رسانه های گسرومی قرار می گیرد."

نخست وزیر اسلامی تعیین نکرد ایمن اطلاعات و اخباری که به وفور در اختیار رسانه های همگانی قرار می گیرد، از کدام نوع است، ولی سیاست اطلاعاتی رژیم از همان نخستین روز بقدرت رسیدن یا حتی ماهها پیش از آن، هنگامی که امت خمینی درباری است، این بود که خبرها و اطلاعات را به وفور پخش کند، لیکن نه خبرهای راست، بلکه خبرهای دروغ یا نیمه دروغ، دروغگوئی اکنون یک رکن سیاست اطلاعاتی رژیم اسلامی است. همان اسلحه که دروغگوئی را در شمارگانها بزرگ می آورد، احکام روشن و صریح دین سبب نشده که رژیم اسلامی در زهدان دروغ شکل نگیرد، در قساوت زاده نگردد و در خشونت رشد نکند.

آیت الله، یعنی "نشانه خدا"، وقتی که به قدرت رسید، خود را به شیطان بسیار نزدیکتر نشان داد. هیچیک از آنچه را که می گفت خواهد کرد، نکرد، و همه آنچه را که گفت نمی کند، کرد. گفت روحانیان به مجسدها با زخا هندگشت و اداره امور را به کارشناسان غیر آخوند و آخوندخواهند نهاد، ولی در عمل کارشناسان غیر آخوند را از همه شغلها و مقامهای کلیدی تصمیم گیری را نندود و آخوندهای عمامه دار را بی عمامه را به جای آنها نشاندند.

## راز موفقیت در جمهوری اسلامی

گفت که آب و برق و تلفن و رفت و آمد شهری همه را یگان خواهد شد، ولی نه تنها چنین نشد، بلکه مردم ایران اکنون باید برای این خدمات بهائی چندین برابر بهای قبلی بپردازند. گفت که هیچکس را به سبب عقاید سیاسی حتی با زخا است نخواهند کرد، ولی کاش فقط با زخا است می کردند، عقاید سیاسی خلاف آنچه آیت الله می گوید، مجازاتهای بیین زندان تا مرگ دارد.

گفت حکومت او، چون اسلامی است، حکومت برکت و رحمت خواهد بود، اما در عمل جز نکبت و خشونت برای مردم ایران بهارمغان نیاورد. گفت که ما، یعنی متولیان دین از آن نوعی که خمینی می فهمد، با هیچکس که با ما دشمنی نکند، عداوتی نخواهیم داشت، و حتی غیرمسلمانان نیز نخواهند توانست در پناه اسلام ایمن و آزاد باشند، ولی در حالی که غیرمسلمانان خارج را چندین کاری نداشت، نخست به روی مسلمانان داخل شمشیر کشید و سپس دست تاجا و زبه سوی همسایگان مسلمان برداشت، کویا و نیکارا گوشه، به رغم فاصله دراز، چاه از حیث جغرافیائی و چاه از حیث عقیدتی، باز

هم از جمهوری اسلامی چندان دور نبودند که رژیم تهران در بسیاری موارد سیاست خارجی خود را با آنها همسوز کند، ولی در عوض عراق و دیگر اعراب نزدیک، به رغم قرابت دینی و نزدیکی جغرافیائی می با یست بیش از دیگران گزندندندان ماری سمی به نام رژیم اسلامی را حسس کنند.

البته در حالی که اسلام خمینی برای هیچ کشوری در جهان بشارتی نداشت، در خونین ترین نمره را در کارنامه خود، در ادامه جنگ با عراق گذاشت. تاکنون هیچ کافر ایستاده مسلمان را بر خاک هلاک نیفتانده است که رژیم خمینی در جنگ با عراق، مردی که لباس روحانیت به تن داشت و بیش از آن که زما مسدار شوم می گفت حتی مگس را نباید بکشد چون مخلوق خداست، پس از آن که به قدرت رسید، خم به بیرون می آورد از اینک که جوانان و نوجوانان هزارها در خون می غلتیدند، نه تنها خم به بیرون می آورد، بلکه دستخوش لذتی شهوانی نیز می شد. خمینی، هنگامی که می گفت "اسلام خون تازه می خواهد" از فرط

لذت لبهای خود را می لیسید. "خداوندگارمگسها" در فاصلههای کوتاه خود را قاتل هزاران هزار انسان نشان داد. چه آنها که زیر تیغ دژخیمان رژیم و جان دادند و چه آنها که در جبهه های جنگ بر خاک هلاک افتادند و همچنان می افتند.

در باره این جنگ فقط آنچه گفته میشود و با مبالغه گفته می شود، خسارات مادی است، تلفات جانی آن را، مناسبتا مین سلاجهای آن را، همچنان از مردم مکتوم نگاه میدارند.

نه تنها اطلاعاتی در این باره به مردم نمی دهند، بلکه حق سؤال کردن نیز برای هیچکس، حتی نمایندگان مجلس خودشان، قائل نیستند. میرحسین موسوی یک ساله و اندی پیش گفت که یکی از راههای موفقیت حکومت تهران این است که اطلاعات و اخبار را به وفور در اختیار همگان قرار می دهد، حال آنکه نه از راه افشا کرده نه موفقیتی بدست آورده است. از یکسال و اندی پیش تاکنون رژیم اسلامی در راه دروغ و دروغی بیشترتی به مراتب بیشتر کرده و فاصله ای در از پشت سر گذاشته است. و این در حالی است که رژیم تهران باید سرانجام برای مردم روشن کند که سبب از موفقیت چه می فهمد، به هر حال، دروغهای رژیم را باید خوار و خوار اندازه گرفت و موفقیتها را بیش از مثقال مثقال.

بیش از این دستوری (= اجازت) گفتار نیست بعد از این با گفت و گویم کار نیست اما در خلوت یک یک امیران را جداگانه پیش خود خوانند و گفت هر یک را "به دین عیسوی تائب حق و خلیفه من تویی" و ان امیران دیگر، اتباع تو کرد عیسی جمله را شیاع (= پی روان) تو هر امیری کوکشد گردن بگیر یا بکشی، یا خود همی دارش اسیر لیک تا من زنده ام، این و امگس تا منمیرم این ریاست را مجبور اینک این طومار و احکام مسیح یک به یک بخوان تو بر امت فصیح... هر یکی را او یکی طومار داد هر یکی ضربه زد و بگریه آمد متن آن طومارها بدمخلف چون حرف آن جمله، اناتالف... پس از این فتنه انگیزی، چهل روز دیگر به خلیفه بنشست و آن گاه خود را بکشت، مردم چون از مرگ وی آگاه شدند شور قیامت برپا شد و نما خلیفه برگورا و گرد آمدند و خاک تربت او را بر سر خویش ریختند و از آن پس بود که فتنه و اختلاف و جنگ خانگی میان مسیحیان آغاز شد. خلیفه از امیران خویش پرسیدند که کسی با پدیده جای وزیر بنشیند؟ هر یک از امیران دعوی جان نشینی وی کردند و به جنگ با حریفان برخاستند؛ هر یکی را تیغ و طوماری به دست درهم افتادند چون بیلان مست صد هزاران مرد ترساکشته شد تا زسرهای بریده پشته شد... تخمهای فتنه ها کوه کشته بود آفت سهرای ایشان گشته بود...

\* یکی از راههای صید پرندگان آن بوده است که صیاد در گوشه ای می نشسته صدای آن مرغ را تقلید می کرد و بدین حیل مرغ را در دام می آورد. مولانا خود در جایی دیگر بدین معنی اشاره کرده است: چون بسی ایلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست زان که صیاد آورد بانگ صیاد تا فریبدم مرغ را آن مرغ گیر بشود آن مرغ بانگ جنس خویش از هوا آید، بیا بدام و نیش

اول ای جان، دفع شرمش کن و آنکه در جمع گندم جوش کن... گرنه موشی دزد در تبارم است گندم اعمال لعل ساله کجاست؟ ریزه ریزه صدق هر روزه جگر جمع می نیاید در این انبار ما؟ پس از بیان این تمثیل و آوردن یکی دو حکایت دیگر مولانا با زیر سرسخن می رود و گوید آن وزیر گرفتار رشک و حسد بود، گوش و بینی را به باطل برپا دادا بدین امید که زهر حسد و بیزجان مسکینان بی گناه رسد؛ هر کسی کوا ز حسد بینی کند خویش را بی گوش و بینی کند

بینی آن باشد که او بویی ببرد بویی، او را جانب کویی ببرد هر که بویش نیست، بی بینی بزد بوی آن بوی است کان دینی بود ما حبلان فکروز بر آ دریا فتنه بودند و احساس می کردند که سخن او خالی از غرض نیست، اما عاقل مردم طوق طاعت وی را به گردن گرفته بودند؛ هر که جز آگاه و صاحب دوق بود گفت او، در گردن او، طوق بود مدت شش سال در هجران شاه شد وزیر اتباع عیسی را پناه دین و دل را، کل بدو سپرد خلق پیش امرونی می مُرد خلق در این میان وزیر شاه نصرانی کش در نهان بیخامها داشت و روزی بدو نوشت اکنون وقتی است که در مساز روزگار نصرانیان بر آورم، آنان دوا زده گروه (سبط) بودند و هر سبط را امیری بود و همه گوش به فرمان وزیر داشتند، وزیر برای هر یک از سبطها طوماری ساخت و در هر طومار حکمی به خلاف طومار سبطهای دیگر داد و اختلاف در میان ایشان پدید آمد، آری او ز یک رنگی عیسی بو نداشت و زمزاج ختم عیسی خوند داشت جا مه صدرنگ از آن ختم صفا ساده و یک رنگ گشتی چون صبا نیست یگرنگی کزا و خیزد ملال بل مثالی ما هسی و آب زلال گرچه در خشکی هزاران رنگ هاست ما هیان را با بیبوست جنگ هاست آن گاه وزیر برای مزید کمرا هی ایشان فکری دیگر انگبخت، مدتی وعظ را قطع کرد و به عنوان ریاضت در خلوت نشست و از مردم روی پنهان کرد. مریدان از او درخواستند که خلوت را بشکنند و وعظ و ارشاد آنان را از سر گیرد. اما وی زیر بار نرفت و چنین فرامود که ایمن گوشه نشینی امر عیسی است؛ که مرا عیسی چنین پیغام کرد که ز همه یاران و خویشان باش فرد روی در دیوار رکن تنها نشین و ز وجود خویش هم خلوت گزین

## مثنوی و کلیله

### تأثیر روش و داستانهای کلیله و دمنه

گفت: ای شه گوش و دستم را بپوش بینیم بشکاف و لب، در حکم مُر (= به ظفیل) بعد از آن در زیر در آور مرا تا بخا هدیک شفاعت گسر مرا آنکهم از خود بران تا شهر دور تادرا نذازم در ایشان شز و شور وی در شرح نقشه پلید خویش به شاه گفت: چون چنین کردی من خواهم گفت که من در نهان نصرانی بودم، شاه از ایمان من آگاه شد و قصد جانم کرد. من خواستم تا ظاهر به هم دینی با وی کنم اما او پیش از آن بویی از اسرار من برده بود و گفته مرا با ورنکرد، و اگر لطف و عنایت حضرت عیسی شامل حال من نشده بود، وی مرا پاره پاره کرده بود. بدین ترتیب وارد جمع ایشان می شوم و اعتمادشان را به خود جلب می کنم. آن گاه نقشه خود را به اجرا در خواهم آورد. کردبا وی شاه آن کاری که گفت خلق، حیران مانده زان مکشفت راندا و راجان نصرانیان کرد در دعوت شروع او، بعد از آن... صد هزاران مرد ترسایوی او اندک اندک جمع شدند و کوی... او به ظاهر واعظ احکام بود لیک در باطن صفیرو دام بود... دل بدو دادند ترسایان تمام خود به با شد قوت تقلید عام در درون سینه مهرش کاشتنند تا بیب عیاش می بنداشتند در این جا مولانا داستان وزیر را رها می کند و یکی از تمثیلهای بسیار زیبا و زنده و موه تر خویش را می آورد: صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما جو مرغان حریص بی نوا دم به دم ما بسته دام نوییم هر یکی، گربا زوسیم مرغی شویم می رهانی هر دمی ما را و باز سوزد می می رویم ای بی نیاز مادر این انبار گندم می کنیم گندم جمع آمده گم می کنیم می نیندیشیم آخر، ما به خوش کاین خلل در گندم است از مگر موش موش تا انبار ما حفره زده است و زفتن انبار ما ویران شده است

### نامه‌ها و نظرها

با تمام با نستی از نامه‌ها و سوخته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منکس کردن نظرات و عقاید و سرد است‌های خصی نویسنده‌گان نامه‌هاست و لزوماً به معنی موافقت و همراهی با آرگان مرکزی نیست مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست.

از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نامه‌آوردند تا نامشان محفوظ بماند.

افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها تنگ‌خوارانه است و با عنف و سزگوارای قلم ملحوظ نگردد، معذوریم.

انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.



### نامه‌ای برای قیام ایران

#### شریک‌نش و نیش

هموطنان عزیز که وظیفه‌ای در اجرای برنام‌های ملی آمریکا دارند که می‌خواهند در این کشور به نفع ملی آمریکا فعالیت کنند و در این کشور به نفع ملی آمریکا فعالیت کنند...

همیشه به وطن خود عشق ورزیده‌است و به همین علت مثل گروه‌های رکیب‌گروهی نخواست از ایران عزیزش فرار کند و عقیده داشت که باید در کشورش نیش و نیش با هموطنانش شریک یا شددار باشد...

به عنوان یک ایرانی که به عقیده خود همیشه به وطن خود عشق ورزیده‌است و به همین علت مثل گروه‌های رکیب‌گروهی نخواست از ایران عزیزش فرار کند و عقیده داشت که باید در کشورش نیش و نیش با هموطنانش شریک یا شددار باشد...

مهم‌ترین نکته اینست که ما در این کشور به نفع ملی آمریکا فعالیت کنیم و در این کشور به نفع ملی آمریکا فعالیت کنیم...

با تمام با نستی از نامه‌ها و سوخته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منکس کردن نظرات و عقاید و سرد است‌های خصی نویسنده‌گان نامه‌هاست و لزوماً به معنی موافقت و همراهی با آرگان مرکزی نیست مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست.

از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نامه‌آوردند تا نامشان محفوظ بماند.

افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها تنگ‌خوارانه است و با عنف و سزگوارای قلم ملحوظ نگردد، معذوریم.

انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

راه قدس از کربلا است ولی امروز فهمیده‌اند که خیر، راه قدس از زوالتن است و شیطان بسبب سزگ و بسا اسلحه‌ها سرانگی با بدقتی را گرفت و با لاف‌ها تک‌تک میلیون‌ها نفر که رفا و آسایش نسبی خود را فدای آزادی کردند و متاع سفاهت آنرا نیا فتند.

مجریان محترم بخش فارسی صدای آمریکا و خاتم‌شیرین‌ها نتر، تصور نکنید ما در انتظار این انتخابات عمر خودمان نیستیم سیری خواهیم کرد و خبر ما مصممیم که حکومت را درگرو کنیم و هم‌اکنون در گوشه‌وکنار اجتماعات محرمانه تشکیل می‌شود که ما با آنها هسته‌ها و مت می‌کشیم و برای حفظ امنیت اعضا هر هاستا زچهار یا پنج نفر تشکیل می‌شود و منتها هر عضو هسته موظف است لاقل یک یا چند هسته دیگر تشکیل دهد (بر حسب قدرت و توانائی و از خودگذشتگی)

اعضای هسته‌ها می‌توانند هم در تغییر حکومت متفق‌العقیده هستند و با تبلیغات گسترده خود فعالیت همه‌جانبه مشغول منزلزل کردن پایه‌های حکومت آخوندی می‌باشند. گروهی زهموطنان شما که من هم یکی از آنها هستم علاوه بر آنکه در منزلزل کردن پایه‌های حکومت آخوندی لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزیم بلکه بفرگردای ایران عزیزنیز می‌باشند فردائی که آخوندها در برابر مرث‌های گره‌کرده ملت فرا را برقرار ترجیح خود خواهند داد. اینان یک حزب سیاسی مترقی را در چهره‌ها رچوب قانون اساسی

۱۲۸۵ پایه‌گذاری کرده‌اند و فعالیت زیرزمینی خود را با نام حزب زیرزمینی مردم زاده ایران مدت‌هاست آغاز کرده‌اند و با شکر در راه خود می‌روند و به اتکاء سایر نیروهای وطن پرست موفق گردند.

در پایان از شما جوانانی که در بخش فارسی صدای آمریکا فعالیت دارید و رسید و می‌دانید که به وطن خود عشق می‌ورزید و از شما سرکار خاتم‌شیرین‌ها نتر و سایر ایرانی‌های مقیم خارج که امکان دارد این نوشته‌ها بدستشان برسد به مسئولین دولت‌ها خصوصاً "دولت آمریکا و انگلستان که در به قدرت رسیدن آخوندها سهم‌بزرگی داشته‌اند را در حاکمیت بپیونده سعی در نگاه داشتن حکومت آخوندی حتی از نسوع متعادلش ننماید و مطمئن باش که اگر وطن پرستان موفق شوند، ایران فردا خوراک خوبی برای همسایه‌های شمالی ما خواهد بود. زنده‌باد ایران با پیونده‌ها پرچم شیر خورشید سه رنگ ایران برقرار با حکومت آزادی در چهره‌ها رچوب قانون اساسی. حزب زیرزمینی مردم زاده ایران (آفتاب) - تهران

### پاسخ به یک خواننده

خواننده گرامی، یوسفی در پاسخ به نامه مورخ سیزدهم آذرماه نویسه‌ها یا داورمی شوم که نویسنده‌ها آفتاب به‌زاد از ریشوی خصوصی خود بخش‌های مصاحبه‌های آیت‌الله خمینی را در مقاله "مرگ خمینی گری" (قیام شماره ۱۸۰) آورده‌است. شما برای بدست آوردن اصل آن مصاحبه‌ها یا اثر ره‌شده‌ها خوشبختانه نامشهری‌ها و تاریخ‌نشان را در مقاله آمده است می‌توانید به وسیله مکتب‌ها روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های نام برده‌ها ذکر موضوع مصاحبه‌ها و تاریخ آن‌ها به دریا فت‌کی اظهارات آیت‌الله خمینی موفق شوید.

با تقدیم مراتب احترام

### حقانیت راه

سلام حضور شورای محترم نویسنده‌گان سلام‌گرم من برای همه عزیزانی که در کار تهیه و توزیع قیام ایران می‌کوشند، از اینهمه صداقت و راستی و دل‌نشینی سخنان لذت می‌برم و به شوری آیم. از اینهمه عشق به میهن و ملت که در هر سر کلامتان خا نه کرده‌است دلها یمان زنده می‌شود و امیدهای یمان به امیدبديل می‌شود. باور کنید که دوستان و آشنایان فراوانی دارم که با این صدق و وفاداری نهضت مقاومت ملی و قیام ایران اند. این دوستان طی چندسال دیدها ندکه بر سر قول خود ایستادند و یاری‌ها و یاری‌ها را بر نبردند و آنچه کردید و می‌کنید همه در راه

رها بی وطن اسیر و هموطنان آواره و دربند است. اینهمه شکست‌های در سخت‌ترین روزها دلیل برحقانیت راهی است که در پیش گرفته‌اید. موفق می‌شوید، زیرا ایرانی هستی‌ها و پیرانیان فهمیده‌اند جز سخن راست و بی غل و غش نمی‌گویند.

سپه‌دار دصالحی - آلمان غربی

### وظیفه ملی زنان

با استقرار رژیم سوم و مصیبت آفرین استبداد دینی در ایران ظلم و بیبیداری همه، از زنان و مردان و کودکان رفته است، ظلم و بیبیداری که اگر یک روز گزارش لرها ننهند آن برصحات تاریخی ثبت شود بزرگترین ایلغارها و قتل‌عام‌های تاریخ را کمرنگ خواهد کرد.

علاوه بر این رژیم‌شیطانی اما مدر و غوغو در دهه هشتم زقرن بیستم بودا شته‌ها و خرافه‌های قرون وسطا و پیش از آن را به کار مملکت‌داری گرفته‌اند و آن میان، اعتقاد دسیه و تحقیر آمیز نسبت به زنان، پس از هشت سال برقراری حکومت آل‌لکه به سبک خمینی، چنان ظلم و بیبیداری بر زنان آورده است که شرح آن در این حوصله نمی‌گنجد.

ما، زنان ایران که در هر حال و بسا دشواری‌ها بسیار به خارج از وطن آمده‌ایم وظیفه داریم لحظه‌ای ساکت ننشینیم و ما زمانها و انجمن‌ها و مراجع بین المللی را، در هر کشوری که آنجا آواره شده‌ایم، در جریان قوانین و مقررات و اقدامات که بر طبق آنها زنان ایرانی محجوب، تا عاقل و نابالغ و مطرودجا معشورده شده‌اند بنگذاریم. این وظیفه ملی زنان ایران است تا افکار عمومی دنیا را با کوشش آشنایان که شهادت زنان را در بسیاری موارد مرده میداند، زنان را قایل سنگسار و طرد از آبادی می‌شنا سود و در یک کلام هر زن را لانه و کاشنا یک شیطان پلیدی انگازد.

به امید پیروزی - آزاده وری  
آلمان غربی

### روبه صفتان

من یک افغانی هستم که از سال ۱۳۴۴ به قصد مبارزه با اشغالگران وطن را ترک کردم. نخست به ایران رفتم اما در آنجا متوجه شدم رفتار مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانی غیر انسانی و برخلاف موازین اسلامی است. با سداران انقلاب اسلامی در افغان‌های مهاجرین دشمن نگاه می‌کنند و هر روز شاهد بدبوم‌ها گروهی از مهاجرین بی‌پناه افغانی را از مرز به آسومی گذرانند. از این روی در ماه حوت ۱۳۶۴ ایران را ترک کردم و به هندوستان آمدم و در آن کشور با قیام ایران آشنا شدم. بدون مجامله‌ها به یگویم که در نکسا و واقعیت جز به راستی نظری ندارید و از نوشته‌هایتان بوی صدق می‌آید.

در مدتی که در ایران بصری بردم و بسا شما هر روز که با سداران افغانی دارم، هر وقت صحبت ایران به میان می‌آید، همه ما می‌زان افغانی تردیدی نداریم که مسئولین جمهوری اسلامی صدق و صفا ندارند و آنها برخلاف آنچه که به زبان می‌آورند عمل می‌کنند. این گروه اسلام را بهانه‌ودکان حکومت قرار داده‌اند و با بی‌تداری برخلاف نص صریح قرآن عمل کنند، چنانکه تاکنون هر وقت مصالح و منافعشان اقتضا کرد جنین کردند. در این شرایط برای دران عزیز، وظیفه شما سنگین است. با بدبوم‌ها و طریق و از هر راه، این گروه بی‌ایمان را آفتاب کنید و خلافت‌ها را آنها را بر ملا زید. این کار را می‌بینیم که در "قیام ایران" انجام می‌دهید، اما کارهای این روبه‌صفتان مزور‌ها را رودا رد که شما برای این با صبر و تحقیق و حوصله رسوایشان سازید. شما را به خدا وند متعال سپرده‌ام و از روی موفقیت برایتان دارم.

دهلی نو - سید روح الله شاه احمدی





### جمهوری اسلامی رژیم حرف

بقیه از صفحه ۳

موتی از قول خمینی نقل می کنند که وقتی عده ای از مسئولان مملکتی به دیدنش رفته بودند او زلفش را بر سرش زد و گفت: جنگ با او صحبت کرده بودند، با این عکس العمل خمینی مواجه شدند که گفته بود: "جنگ تا موقعی که من زنده هستم با ایداد مه پیدا کند، پس از مردنم خودتان می دانید." درحالی که واقعات روزبه روز تلخ تر و روشن تر می شود رژیم روزبه روز پیله بی را که از نوا و بی خبری و ندادن کار به دور خویش تنیده پیچیده تر می کند، درحالی که مشکلات مالی و اقتصادی عملاً مملکت را فلج کرده است، درحالی که مردم در عسرت و تنگدستی و فقر روزگسار می گذرانند و میزان جراثیم و جنایت روز به روز و به افزایش است، رژیم زهر موقیعی استفاده می کند تا با حرف سر مردم را گرم کند و دستاورد های موهوم و غیر واقعی را به دروغ به عنوان بزرگ ترین موفقیت های رژیم تحویل آنها بدهد. یک نمونه از این دست را می توان رسوایی سفر مک فارلین و تحویل سلاح از آمریکا و اسرا تیل دانست که رژیم به زور خفه کردن مداهانی که خواها ن حقیقت ما جرا بودند، کوشید تا در رسانه های تحت انقیادش آنرا به عنوان یک پیروزی جا بزند! نمونه ای

دیگر از اینگونه رفتار رژیم ، موضع گیری آن در قبال کنفرانس اسلامی است که قرار است سه هفته دیگر در کویت تشکیل شود. رژیم که میدوار بود طی آنها جم کر بلای ۴ به عمق خاک عراق نفوذ کند و از طریق پیروزیهایش فضای کنفرانس اسلامی را زیر سلطه بگیرد، پس از شکست این تهاجم مصمم شده که در کار کنفرانس اخلال کند. اما در همین زمینه نیز موفق نبوده است. خامنه ای در نماز جمعه روز نوزدهم دیماه موضع بسیارضعیفی داشت و تهدیدهای یک هفته پیش ایران را بدل به خواهش دستانه کرد و عاقبت به این امر گردن گذاشت که اگر کنفرانس در کویت تشکیل شود، "جمهوری اسلامی ایران هیچیک از مصوبات و مقررات آنرا به رسمیت نخواهد شناخت." موضع خامنه ای در قبال توجیه حمله کر بلای ۵ که روز هجدهم دیماه صورت گرفت از این هم رقت با رت بود. رئیس جمهور رژیم خمینی حمله اخیر را به قصد آن دانست تا به جهانیان اثبات کند که جمهوری اسلامی هنوز قادر است ضربه های اساسی به عراق وارد آورد. آنجا که خامنه ای نسبت به توفیق تهاجم کر بلای ۵ نا مطمئن بود، از همان ابتدا حدود

نیات و اهداف آنرا کوتاه گرفت تا مثل کر بلای ۴ اسباب سرشکستگی رژیم فراهم نیاید. واقع آنست که بخشی کوچک از نیروی ضربه نخورده ای مربوط به حمله کر بلای ۴ صرفاً " برای پرده پوشی شکست قبلی به سوی مرگ رانده شدند. این نیرو که در شلمچه مستقر بود، قرار بود که همراه نیروی مستقر در آبادان در سه محور عراقی ها را عقب برانند و به بصره برسند. از این سه محور، محور اولی در ام الرصاص تا "نا بود شد حتی یک تن از ایرانیان زنده برنگشت. نیروی مستقر در آبادان با بمباران شیمیایی از کار افتاد. بقایای این نیروی صد هزار نفری، در کر بلای ۵ بسیج شدند. برغم آنکه حرکت سیاسی رژیم در تغییر محل کنفرانس اسلامی از کویت به یک کشور دیگر (مثلاً پاکستان) در رسانه های خارجی با معیارهای واقع بینانه ارزیابی می شود، اما تبلیغات رژیم در داخل کشور که با کمک تمام وسائل و امکانات صورت می پذیرد، چنان است که گوئی اساساً "جمهوری اسلامی موفق به تغییر محل کنفرانس اسلامی گشته است. حتی روزنامه کیهان طی حرکتی سیاسی با بقیه در صفحها ول خودکار یکاوری چاپ کرده که کویت را حرم جنگی و درینا صد احسین نشان می دهد. طبیعی است که در حمله تبلیغاتی جمهوری اسلامی، کویت در موقعیت دشواری قرار گرفته است. تغییر محل کنفرانس به منزله پذیرش کویت به عنوان یک منطقه جنگی خواهد بود. بگذریم از آنکه جمهوری اسلامی با عمل خود توانسته شکار

بین کشورهای هند و پاکستان و عراق و سوریه از یک طرف و سوریه و مصر از طرف دیگر را غیر ممکن سازد. این شکار، در نهایت به سود اسرا تیل تمام می شود که از وحشت و یکپارچگی اعراب همواره بیمناک شده است. در حالی که در داخل مملکت، به علت ورشکستگی های مالی و اقتصادی، ویرانی های ناشی از جنگ، تورم مهار گسیخته، فساد و رشوه خواری، نا امنی و تزلزل رژیم با چوب زیر بغل خود را بر سر پا نگاه داشته، آنچه در مورد کنفرانس بین المللی و خارج از ایران تبلیغات می شود کوششی است برای حفظ پرستیژ و لاف در غربیسی. این لاف در مورد کنفرانس اوپک، در مساله ارسال اسلحه به ایران، در ماجرای جنگ داخلی لبنان و بیتا زگی در تغییر محل کنفرانس اسلامی صدق روشنی می یابد. در حالی که رژیم از هر گونه عملی که رفا و آسایش مردم را در پی داشته باشد تا توان است، از راه حرف و دستاویز قرار دادن شعارهای واهی و تبلیغات دروغ بر آنست تا به اصطلاح بر اعتبار و اهمیت خود در جهان اسلام تکیه کند و از این طریق دهان مخالفان را ببندد. به چشم مردم ایران خمینی به نا خدای بی خردی میماند که از کشتی شکسته اش غافل باشد و در همان حال رسالت خود را نجات مایه های از غرق شدن بدانند!

۵ ژانویه ۸۷

## جنگ بی امان قدرت

قتل و حذف و تصفیه چهره های درجه اول انقلاب اسلامی مثل آیت الله بهشتی، ها شمی رفسنجان را به صفا اول و به پیش صحنه راندند و ای صورت مرد شماره ۲ رژیم جمهوری اسلامی در آمده است. ها شمی از ریاست مجلس بعنوان نخستین بر شی استفاده کرده است. نقش او به عنوان داد و در مجلس به وی امکان داده است که در بر خورد ها و جنگ قدرت ها در مجلس با لای سربقیه قرار گیرد، اما از او خرمهر ما گذشته جنگ بر سر جانشینی خمینی وی را بصورت رقیب اصلی آیت الله منتظری جلوه گراست. منتظری جانشین موعود خمینی، برای محکم کردن موقعیت خود فعالیت های میان روهائی چون مهدی بازرگان و نهضت آزادی را زیر پوش خود گرفت. به توصیه منتظری، میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفت که از تبعیدیان ایران در خراسان خواست به کشور بازگردند، اما تندروهای رژیم بخصوص خوشبینی ها این طرح را نقش بر آب کردند. مضمون سخنان بازرگان و دوستانش در بها رگدشته به عنوان هشدار بی منتظری تلقی شد. ما هنا مه عربی این چنین ادامه میدهد: از رفسنجان تا خوشبینی ها هر کس دستش به قدرتی بند بود از در مخالفت با منتظری در آمد، استدلال آنها بسیار ساده است: هر چه منتظری ضعیف تر باشد بعد از خمینی آسان تر میتوان او را کنترل کرد. کاهش نفوذ منتظری بعدی رسید که در سپتامبر گذشته را دیوی جمهوری اسلامی قسمتی از سخنان سیاسی او را نسوز کرد. ما هنا مه عربی می افزاید: بدون تردید وضع جبهه های جنگ با عراق نبردهای داخلی جمهوری اسلامی را شدت خواهد بخشید. رژیم تهران با وجود عده های زیادند تا تست حملات سر نوشت از علیه عراق را در پستان گسیخته سال انجام دهد. خمینی در زمستان گذشته طی فتوای از همه خواست که به جبهه ها بروند هدف وی تشکیل ارتش یک میلیونی بود. اما این طرح به شکست

انجام مید. رفسنجان خود تلویحا " بدین شکست اعتراف کرد. در ماه اکتبر یک میلیارد نفر، از بسیج تنها یکصد هزار نفر سخن گفت. ما نورهای رفسنجانی رفسنجان که پی برده است جمهوری اسلامی قادر به کسب پیروزی نظامی نیست، راه حل جنگ را در کنار رفتن مدام حسین رئیس جمهوری عراق یافت. سعی کرد با کمک سوریه، متحدان عراق را از بیاری دادن به این کشور منصرف کند. رفسنجان حتی گفت در صورت کنار رفتن صد احسین رژیم تهران از تحمیل یک رژیم اسلامی به عراق خودداری خواهد کرد. اما این نقشه جانی نرسید، عربستان سعودی و بخصوص بخشی از هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که در صورت سقوط عراق، هیچکس در ایران نمیتواند جلوی فتنه انقلاب اسلامی را در منطقه بگیرد. ما هنا مه عربی، سپس به ماجرای مهدی با شمی و مخالفت وی و دارودسته اش با سیاست نزدیکی به آمریکا می پردازد و می نویسد: طرفداران مهدی ها شمی، آیت محمود کا ردا سوریه را که متهم به توطئه علیه منتظری و تلاش برای خاتمه دادن به جنگ بود روز سوم اکتبر گذشته ربودند. در این میان دستگیری برادران ها شمی، به عنوان پیروزی ها شمی رفسنجانیشمار رفت. وی با یک تیر دو نشان زد: منتظری را تضعیف کرد و سعی کرد به آمریکا نشان دهد که قدرت در ایران در دست اوست. حتی آزاد کردن دیویدجا کوبسن گروگان آمریکا، اگر چه در مقابل دریافت اسلحه از آمریکا بود ولی از همین منظر سرچشمه می گرفت: که آمریکا بفهمد، رئیس، رفسنجان است.

در درجات پائین تر آن که نمی خواهند انقلاب خود محروم شوند. از سوی دیگر ها شمی رفسنجان با بدبهر حال جواب گوی سیاست نزدیکی با آمریکا باشد. رفسنجان به علت همین سیاست با مخالفت های فزاینده ای روبروست. در دادگاه ها، در جبهه های جنگ، در مجلس و در همه جا بحث و جدلها، بر سر این موضوع ادا مدها رد و در آبادان ماه چیزی نمانده بود که در دانشجویان خط امام سفارتخانه های عربستان سعودی و کویت را آتش زدند. آنها طرفداران نزدیکی با آمریکا یعنی رفسنجان، احمد خمینی و صادق طباطبائی را پشت مورد حمله قرار میدهند و بعضی از آنها حتی شخص خمینی را متهم می کنند که با این تماس ها موافقت کرده است. ما هنا مه عربی - شماره اول - ماه ژانویه ۱۹۸۷

**شکست مذاکرات**  
بعدا عنقا دمطوبات فرانسویان پس از آن سیاسی، مذاکرات علی آهنی فرستاده جمهوری اسلامی با مقامات فرانسوی به شکست انجامید. روزنامه فیگارو در شماره ۲۱ ژانویه خود نوشت: منازعه فرانسه و جمهوری اسلامی به بن بست رسید. دیگر روزنامه فرانسوی لوماسن، از توقف جریان عادی شدن روابط دو کشور سخن گفت. وزیر امور خارجه فرانسه نیز طی یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد که فرانسه فعلاً در نظر ندارد بقیه بدهی یک میلیارد دلاری خود را به جمهوری اسلامی بپردازد. در همین حال زاک سیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه به مدت کوتاهی علی آهنی را بحضور پذیرفت. روزنامه فیگارو در این باره نوشت: مذاکرات علی آهنی با زاک سیراک بسیار کوتاه بود. بقیه در صفحه ۱۲

# جنگ تمام عیار

به نوشته خبرنگاری فرانسه، پس از چند ماه آراش نسی، موج گروگانگیری اتباع غربی در لبنان، از سر گرفته شده است. این موج تازه، آدمربایی، با زداشت تروریست لبنانی، محمدعلی حماده در فرانسفورت، همزمان گردیده است.

روزشنبه ۲۴ ژانویه سه آمریکا و یک هندی تبعه آمریکا، طی عملیات نمایشی جوارهای توسط چهار تروریست که خود را به شکل ما-سوران پلیس لبنان در آورده بودند، در دانشگاه آمریکا بیروت ربوده شدند. دولت آمریکا ضمن محکوم کردن این آدمربایی، خواستار آن گردید که هر چه زودتر گروگانها آزاد شوند.

آنچه در بیروت رخ می دهد، با منطقی که پایه تفهیم و تفاهت هم غربی را تشکیل می دهد، در تضاد با سر می برد. آیا می توان با قشویون دستا بر بندگی میا رهای چندین قرن پیش، ملک رفتن و ایما ن شان است از قوانین بین المللی سخن گفت؟

آیا می توان با تروریست ها و وحشت افکنان که ملایان بیسه عنبروان آموزگار به آن مسا آموزش می دهند که کشتن و مردن در راه خدا، مطمئن ترین جاده به سوی بهشت شمرده می شود، از انسانیت یا از حقوق بشر سخن گفت؟

زرقنای مساء له این است که جمهوری اسلامی مستقر در تهران و زائنده های لبنان نی آن، به غرب، اعلان جنگ تمام عیاری داده اند. آنها از غرب، از شیوه زیست آن، از کیش و آیین آن و از تسوان آن، نفرت دارند. از این روست که مذاکره با این مردمان تنبهار، کاری بی بروبار است. درست است، گناه می توان با مذاکره، چندگروگان را از چنگ آنها بیرون کشید، اما باید دانست که با هر امتیازی که آنها در ازای آزادی یک گروگان به دست می آورند، بر توان و جسارت شان افزوده می شود. با آیت الله دیوانه که بر تهران حکم می راند به زبان دیگری با بدسخن گفت، و گرنه روزی، موجی که هدف اعلام شده آن، بنده ساختن تمدن مادر برابر امام غایبی ست که آنها چشم به راه وی هستند، ما را با خودخواهس برد. به این روای دیوانگسان نخدمیم. تاریخ بشر، از این روایها سرشار است، روایهایی که همواره به حمام خون می انجامد.

کوتیدین - ۲۶ ژانویه ۱۹۸۷

# چهره يك

## بقیه از کنفرانس

کوشیدتا جریا ن مذاکرات را زیرغرش توپخانه محوکنند و درعین حال سه سازمان زیرزمینی هوادار جمهوری اسلامی نیز اعلام کرده اند که در صورت برکناری کنفرانس به منافع کویت حمله خواهند کرد.

همچنین بدون آنکه رابطه مستقیم میا ن جمهوری اسلامی و قبا یعنی کهدر هفته گذشته درخا ورمیا نه رخ داده وجود داشته باشد، چهار آمریکا ئی و دو آلمانی به صفا اسیران به گروگان گرفته در لبنان بیبوستند. وسه سو صدنیسز در کویت کشف شد که حکایت از اقدامات خرابکارانه علیه کنفرانس اسلامی می کرد.

به گفته یک دیپلمات عرب، چه جمهوری اسلامی در کنفرانس حضور داشته باشد یا نه، وجه از آن سخن گفته شود یا بسه سکوت برگذا رشود، وزن این کشور بعنوان یکی از قدرتهای بزرگ و پسر جمعیت منطقه، برکنفرانس سنگینی خوا هد کرد.

از سوی دیگر شرکت احتمالی پرزیدنت حسنی مبارک پس از شش سال غیبت از این کنفرانس نشان دهنده با زگشت مصر به دامن سازمان کنفرانس اسلامی است. به ویژه که مقامات کویتی علاقه



# رد دعوت

در پی مداخله مستقیم رژیم جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی ترکیه، کنان اورن رئیس جمهوری ترکیه بعنوان واکنش و اعتراض به حرکات و اعمال گستاخانه ایران، دعوت رسمی ایران را رد کرده و با زدید خود را از این کشور باطل ساخت و فرستاده مخصوصی از طرف نخست وزیر ترکیه برای آنکه به مسئولان رژیم تهران خاطر نشان کند که موضوع پوشش اسلامی در ترکیه مربوط به امور داخلی است به تهران رفت.

در اعلامیه های پخش شده از دیو جمهوری اسلامی که مستقیما از طرف دولت ترکیه شنیده می شود و همچنین در روزنامه های ایران و در این اواخر از طرف مدرسین حوزه علمیه قم همه روزه ترکیه و حکومت لائیک آن و رئیس جمهوری موردا تمام قرار میگیرند.

نخست وزیر، تورگوت اوزال با گسیل فرستاده مخصوص خود به تهران از نخست وزیر ایران دعوت کرده تا دربار او باط سیاسی فیما بین اقدامات جمهوری

اسلامی توضیحاتی بدهد. معاون وزارت امور خارجه ایران سال گذشته ضمن مسافرت به آنکارا از رئیس جمهوری کنعان اورن بنا بدعوت رئیس جمهوری ایران خائنه ای، برای بازدید از ایران دعوت رسمی بعمل آورده بود و کنعان اورن این دعوت را قبول کرده بود ولی با توجه به جریانات و اوضاع و احوال اخیر کنعان اورن با زدید خود را از ایران فسخ و باطل نمود.

اطهارات و بیانات نزهت کان دمیر سفیر کبیر ترکیه، در تهران و تاء کیدبر حساسیت ترکیه به رهنمودهای آتا تورک و اعتقاد به حکومت لائیک باعث نا را حتی مسئولان رژیم ایران شد و در پاسخ اظهارات سفیر کبیر، مقامات رژیم تهران گفتند: ما در امور داخلی ترکیه نمی خوا هیم دخالتی بکنیم ولی حساسیت مقامات ترکیه به موضوع حکومت لائیک و رهنمودهای آتا تورک قابل تحمل نیست.

روزنا مه حریت - ۱۳ ژانویه ۸۷

# شب نامه

بقیه از صفحه ۱

بر اساس گزارشی دیگری از افغان، در هفته گذشته عده دیگری از مسئولان رژیم در رابطه با حسنعلی منتظری دستگیرند و پس از بازجوئی آزاد گردیدند.

سخنمات بارزادی از دستگیرندگان از این قرار است:

- حسن با بنده سرپرست بنیاد دیندینجف آباد.
- محمدبا بنده
- عباس قربانی معاون سیا دیاران
- تاهین شهر
- سید رسول فانی حاکم سرخ شهرستان فریدن
- خسرو حاجی عمودا برده، تبلیغات سیا

دارند تا این رهبر جمعیت ترین کشور عربی را برصد کنفرانس قرار دهند.

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه نیز در کنفرانس شرکت خواهد کرد. وی پیش از آغاز کنفرانس از حفظ تمامیت ارضی عراق و دیگر کشورهای نفت خیز خلیج فارس دفاع کرده است.

از همه با پیدا زسلطان حسن دوم پادشاه مراکش و رئیس پیشین کنفرانس و سرهنگ قذافی نام برد. مسئله حمله قذافی به چاد در کنفرانس اسلامی مطرح خواهد شد.

خبرگزار ریها - ۲۶ ژانویه ۸۷

# درخواست اشتراك

بهای اشتراك يك ساله ۲۲۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۱۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین )

نام خانوادگی :

Nom

نام :

Prénom

آدرس :

Adresse:

- ما یلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال  به مدت شش ماه  مبلغ  فرانسه به حساب بانکی نشریه  به حساب پستی نشریه  حواله  شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ  امضاء

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

# توجه لازم

تعداد ارد تقاضاهای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نام و نام خانوادگی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

# گزارش محرمانه

## از سیستان و بلوچستان

بقیه از صفحه ۳

شیعه و سنی و فشا رواختنای که رژیم حاکم کرده و موجب نفاق در میان جوانان شده و نیروهای متخصص را از آن منطقه فرار داده و محرومیت و ویرانی استان را فراهم کرده هیچ امتیازی دیگری جمهوری اسلامی برای این منطقه به بار نیا ورده است.

دیگر تداخل گروهی و مشا رکت عمومی گذشته در منطقه وجود ندا رد. شیعه به چشم نفرت به هموطن سنی خود نگاه می کند.

امکانات رفاهی و بهداشتی به صفر رسیده است. همه اینها به دلیل آنست که خوندها کوشیده اند سطح فرهنگ عمومی را با بین نگهدارند. رژیم خیال می کند که با گرفتن اعترافات آن هم به ضرب زور و فشا را ز مولوی نظر محمد دیگاسه، روحانی اهل سنت، موفق میشود که مسائل را حل و فصل کند. حال آنکه اعترافاتی که در سند تحقیقاتی نخست وزیر دربارها بین استان فرا هم شده است، نشان دهنده آنست که مسائل مشکلات این استان محروم تنها به این شیوه ها حل نخوا هشد، بلکه برداشتنها و نقرتها بیشتر از همیشه خواهد افزود.

برنامه تلویزیونی زاهدان، زمین را برای درگیریهای تازه تری آماده کرده است.

۲۶ دیماه ۱۳۶۵

بقیه از صفحه ۱

جنگ ایران و عراق یکی از آن با زیبهای عجیب دوره کنونی بشمار می آید. این جنگ، اسما "جنگ ایران و عراق استولوی در واقع جنگ هفتاد و دو ملت است. آنچه درین جنگ مستقیما "و منحصرا" به ایران و عراق مربوط میشود تلفات و خسارات جنگ است، زمین که بگذرد اکثر کشورهای جهان درین جنگ دستی دارند و آن به نحوی استفاده می برند.

تا وقتی قضیه "ایران گیت" پیش نیامده بود کمتر کسی میدانست که اسرائیل چه نقش عجیبی در جنگ ایران و عراق بازی میکند.

درا وایل جنگ، وقتی یک هواپیمای آرژانتینی که برای جمهوری اسلامی اسلحه می برد در مرزهای ایران و شوروی راه را گم کرد راه را به راه و بستند و بهرحال مجبور شد در خاک همسایه فرود آید، برای نخستین بار بریده زروی ارتباط پنهان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل بکنار رفت. بعد از آن، با زموارد دیگری پیش آمد که قابل برده پوشی نبود و بالاخره ژنرال شارون وزیر سابق دفاع اسرائیل در سفری به آمریکا ضمن گفت و گویا روزنامه نگاران آمریکا بی به صدور اسلحه و قطعات یدکی از اسرائیل برای رژیم آیت الله اقرار کرد.

اظهارات آریل شارون را بعدا "تعدادی دیگر از شخصیت های نظامی و سیاسی اسرائیل تکرار و تائید کردند و آنها همگی می گفتند اسرائیل فقط در دوره محدودی، در اوایل جنگ ایران و عراق، با اطلاع و موافقت دولت آمریکا به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته و پس از آن دیگر چنین معاملاتی انجام نگرفته است. البته این خبرها را جمهوری اسلامی بکلی تکذیب میکرد. آیت الله خمینی میگفت: "اسرائیل چه قابل آدم باشد که ما از او اسلحه بخریم." رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی و همقطاران دیگرشان نیز بی تاء کید ادعا می کردند که این هسا تمام ساخته و پرداخته دستگا ه تبلیغاتی شیطان بزرگ و استکبار جهانی بمنظور بی اعتبار کردن جمهوری اسلامی است.

بقیه از صفحه ۱

شکست مذاکرات

علی آهنی مدیرکل آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در کنفرانس مطبوعاتی روز ۲۱ ژانویه خود درحالی که سعی می کرد ملاقات خسودرا با شیراک مهم جلوه دهد اعلام کرد که ظهر روز ۲۱ ژانویه به مدت نزدیک به یک ساعت با نخست وزیر فرانسه دیدار کرد و پیام میرحسین موسوی را به وی تسلیم داشت. وی دیدار خود را با شیراک "جالب" توصیف کرد و افزود: نخست وزیر فرانسه دربارها حل مشکلات بین دو کشور امیدوار بود.

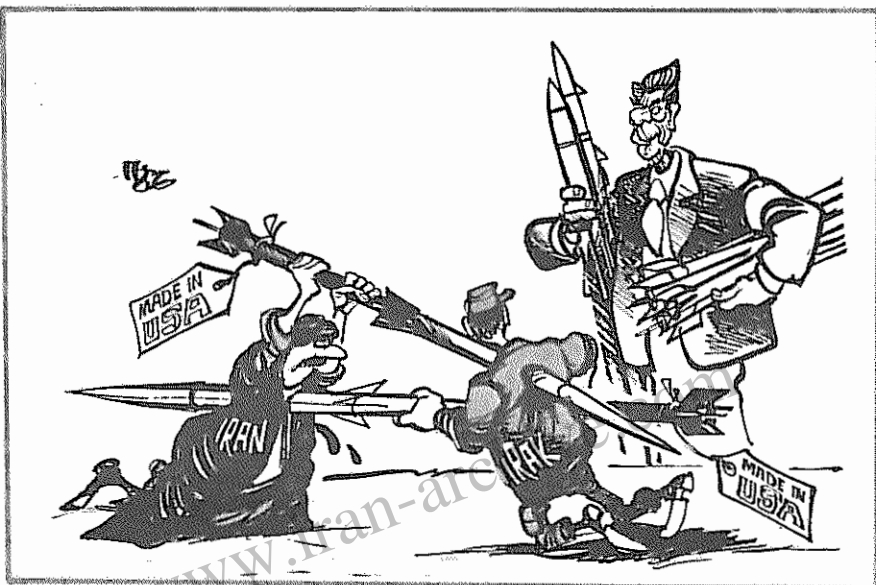
در همین حال، کاخ نخست وزیر فرانسه تنها به اعلام این موضوع اکتفا کرد که آهنی پیام میرحسین موسوی را به ژاک شیراک تسلیم کرده است. خبرگزاری فرانسه در این زمینه نوشت: به نظر می رسد که علی آهنی فرستاده جمهوری اسلامی، همان طور که تقاضا کرده بود سرانجام با ژاک شیراک دیدار نکرد. اما کاخ نخست وزیر فرانسه تا بعد از ظهر روز ۲۱ ژانویه حاضر نمی شد حتی خبر دیدار این دو و ساعت آن را اعلام کند.

مدیرکل آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که به مدد یک

بازی عجیب قرن!

درا و ا خ رسال ۱۹۸۵ با ردیگر گزارشهایی انتشار یافت حاکی از این که اسرائیل همچنان به معاملات اسلحه با جمهوری اسلامی ادامه می دهد. این گزارشها که معمولا "برای شرقات های سیاسی یا اقتصادی بین کشورهای شرکت های ذینفع به مطبوعات بین المللی درز می کنند" تجب کشورهای اروپایی را برانگیخت چون در همان زمان

دستیاری تعدادی از نزدیکان آیت الله خمینی کاگردانی میکرده است. بازی را اسرائیل به این صورت اداره میکند که زیکطرف به آیت الله خمینی میفهمانید شرط لازم در پیروزی او بر عراق دستیابی به قطعات یدکی و سلاحهای مدرن آمریکائی است و از طرف دیگر به آمریکا ثنیه تفهیم میکرده که فقط با استفاده از چنین موقعیتی است که میتواند آیت الله عنود را زخشیطان پائین بیاورد و



آمریکا ثنیه در مذاکره با متحدان اروپایی خود آنها را از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برحذر می داشتند و می گفتند حساسیت اوضاع در خلیج فارس ایجاب می کند از توسعه جنگ ایران و عراق جلوگیری شود و این امر مستلزم محدودیت صدور اسلحه به جمهوری اسلامی است. سئوال این بود که خوب، اگر واقعا "آمریکا خطری در تسلیح جمهوری اسلامی احساس میکند چرا جلوی اسرائیل را نمی گیرد؟" افتای قضیه "ایران گیت" این معمارا حل کرد و معلوم شد اینها همه اجزاء یک بازی بزرگ بوده که آن را اسرائیل با

عهدی را که برای شریذیرفتن شاه به آمریکا و متعاقبا "اشغال سفارت آمریکا در تهران گسسته شده است دوباره برقرار سازند. اسراری که بعدا زواقع "ایران گیت" افشاء شده است نشان میداد که این بازی چه ماهرانه طرح شده بود و چه استادانه اجراء می شد. هفته گذشته روزنامه اسرائیلی "دادار" ارگان سندیکی کا رگری وابسته بحزب کار اسرائیل فاش کرد که در اوایل سال ۱۹۸۶ هاشمی رفسنجانی بطورکا ملاً "محرمانه" بلندن رفته و با "دیوید کیمشه" و "یعقوب نمرودی" و همچنین "رابرت

مک فارلین" گفت و گو کرده است. بی شک، حساسیت و اهمیت مسأله ارتباط با آمریکا چنین سفری را بیجا میکرده است زیرا آمریکا بی همتا از آنکه مطمئن شوند آیت الله خمینی شخما" طرف معامله با آنها است و ارداین بازی ظریف و حساس نمی شدند و آیت الله خمینی هم نمی توانست کسی را جز رفسنجانی واسطه ارتباط مستقیم با آمریکا قرار دهد.

تمام این ماجراها در شرایطی انجام می گرفت که بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی در عوامل دیگری سیر می کردند و حتی فقیه عالیقدر شاعر مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را جودی می گرفت و هر بار گروهی را بحضور می پذیرفت، ضمن "رهنمود" هایش، راه رضای خدا چندتا لیچا رهم برای آمریکا و اسرائیل مایه می گذاشت. همچنان که در طرف دیگر معرکه بعضی از مخالفان آیت الله برای مبارزه با رژیم و سرنگون کردن آن چشم میدان منحصرا "به آمریکا و در درجه دوم به اسرائیل دوخته شده بود!

تا زه در جریان این بازی بزرگ، هیچ معلوم نبود دوستان آمریکا بی واسطی با خود آیت الله چه قدر مادی القولند. گزارشی که آن هم هفته گذشته در مطبوعات آمریکا انتشار یافت نشان می دهد که آمریکا بی همتا بر اساس عکسهای ماهواره ای، هم به ایران و هم به عراق اطلاعات میدادند منتهی اطلاعات معمول و گمراه کننده!

وبا مزه تر این که اکنون، بر اثر فشارهای اسرار "ایران گیت" و رسوائیهای که بدنبال آورده است، اسرائیلی هسا می گویند ما نفعی در این قضیه نداشتیم، فقط برای آنکه بدوستان آمریکا بی خود کمکی کرده باشیم و شیم حاضر شدیم نقش واسطه را ایفاء کنیم. اسرائیلی هسا می گویند طراحی و مبتکر و صحنه گردان این بازی اسرائیلی هسا بودند و آنها روی دست ما گذاشتند که وارد معرکه شویم!

کدام راست می گویند؟ این را من نمی دانم اما اگر بپرسید کدا مشان دروغ میگویند یا سخ میدهم: هر دو!

از سوی دیگر وزیر امور خارجه فرانسه در روز ۲۱ ژانویه در مصاحبه ای با تلویزیون کانال ۲ فرانسه درحالی که علی آهنی هنوز در فرانسه بود، گفت: فرانسه از جمهوری اسلامی انتظارات بیشتری دارد. وی افزود: هنگام آزاد شدن "ورل کورن" ما منتظر آزادی تعداد بیشتری از زکروگانها بودیم بخصوص که پرونده کاملی در اختیار داشتیم.

وزیر امور خارجه فرانسه گفت: مذاکرات با فرستاده جمهوری اسلامی جنبه کلی داشت. وی اضافه کرد: درست است که ما به ایران بدهکاریم، ولی شرکت های فرانسوی نیز از جمهوری اسلامی خسارات زیادی طلب دارند. نخستین قسط ۳۵ میلیون دلاری که ما به جمهوری اسلامی دادیم نشان حسن نیت ما بود. ولی فعلا در نظر نیست که بقیه این بدهی به جمهوری اسلامی پرداخت شود.

مطبوعات و خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

مترجم سخن می گفت، روز ۲۱ ژانویه بار دیگر به شرط جمهوری اسلامی را برای عادی شدن روابط با فرانسه تکرار کرد و افزود: چنانچه فرانسه این سه شرط را بپذیرد، جمهوری اسلامی میتواند فرانسرا در مورد مسئله گروگانها بیشتر کمک کند. درحالی که این سخنان آشکارا دست داشتن جمهوری اسلامی را در گروگان گیری های لبنان تائید می کند، آهنی اضافه کرد مسئله گروگانها در دست جمهوری اسلامی نیست و دولت فرانسه نیز این را میداند، ولی همچنین آگاه است که ما بر بعضی گروه ها در لبنان نفوذ داریم به همین دلیل از ما درخواست پاردمیانی کرده است. سه شرط جمهوری اسلامی که روز ۲۱ ژانویه با ردیگر تکرار شد، عبارتند از:

- ۱ - مسئله بوزیسیون ایران نیان در فرانسه و امکاناتی که دولت فرانسه در اختیار آنها قرار داده است.
- ۲ - بازپرداخت اصل و بهره وام میک

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE